



مدیر حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۷ - شماره ۲۱ - پاییز ۱۴۰۳

شرط التزام عام در پرتو رویه دیوان داوری ایکسید

امیرحسین یزدانی، ناصر علیدوستی شهرکی

تحلیل حقوقی آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دعاوی مرتبط با ایران

سیما عباسی، شهرزاد دربندی

مخاصمات اسرائیل و حماس در آئینه حقوق بین‌الملل کیفری (۲۰۲۳ میلادی)

محمد بابایی، نوید زمانه قدیم، داوود علیزاده

نقش سبک زندگی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی در پیشگیری از جرایم مرتبط با کووید-۱۹ از نظر کارشناسان در حقوق کیفری ایران

ایرج مروتی

مدیریت ذخایر هیدروکربوری فرامرزی: همکاری به عنوان یک تعهد عرفی (با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دریاها در سال ۲۰۱۷

میلادی در دعوای غنا و ساحل عاج)

علی رضایی، سیدرسول طباطبایی مقدم

حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق ایران و لبنان

امین‌رضا بهار فلامرزی

نحوه اداره اموال محجورین در حقوق ایران و ترکیه

سارا فرزادی مهر، محمدرضا حقیقی، اسماعیل عموری

تحلیل و بررسی ماهیت جعله در نظام حقوقی ایران

امیرمحمد توکلی، محمدرضا عضدی، قاسم توکلی

ماهیت و ابعاد حقوقی دستور موقت صادره از هیات حل اختلاف قراردادی وزارت نفت

شیدا غم افروز، محمدرضا افشاری، مهدی پیری

حقوق سهامداران نهادی و سهامداران خرد در بازار سرمایه ایران

پریسا رضوان، علی زارع

محدودیت‌های فعالیت نظامی کشورهای ثالث در منطقه انحصاری اقتصادی دولت ساحلی

محسن بهجتی

فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

زهره السادات مکی، اسماعیل کشکولیان

مبانی حقوقی تاسیس مدارس غیردولتی در ایران با تأکید بر نقش آموزش و پرورش بر پیشگیری از وقوع جرم

مینا دانش آموز، حکیمه ابوالحسنی

مسیرهای دموکراتیک و استبدادی در آینده حقوق بین‌الملل

سعید بهبودی نژاد

شهرهای هوشمند و حقوق تجارت بین‌الملل

آرام عباسپور جلالی

آثار حقوقی هنجارهای آمره: آن‌کس که جعبه پاندورا را گشود آیا به پیامدش فکر نمود؟

سهیل گلچین

رابطه میان تعهدات شفافیت و سرمایه‌گذاری خارجی در انرژی‌های تجدیدپذیر: تحقق نقش بالقوه موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری

یوسف اخلاقی

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح

یاسر شاکری



Iran's Criminal Policy for Specific Military Crimes of the Armed Forces

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح

Yasser Shakeri
PhD in Criminal law and Criminology

یاسر شاکری
دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

sssf200@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0001-7732-8125>

Abstract

The purpose of the study is to examine the criminal policy of the Iranian Armed Forces Law for specific military crimes. Special military crimes such as insulting a superior, insulting a superior to a subordinate, intimidating superiors and guards while on guard, illegal shooting, disregarding superiors' orders, false reporting, and desertion are important crimes in the criminal system of the Iranian Armed Forces. so that in the laws of the armed forces after the Islamic revolution (the law on the punishment of crimes of the armed forces approved on 09/08/1992 and the law on the punishment of crimes of the armed forces approved on 30/12/2003) these crimes were dealt with and were subject to the sensitivity of the legislator is The current research, which is applied in terms of its type and purpose, and has been carried out with the descriptive-analytical method, is trying to answer the question of what kind of differential criminal policy the laws on the punishment of the crimes of the armed forces after the Islamic revolution in relation to specific military crimes follow. have they done It can be said that the discriminatory criminal policy in the crime of "disregarding the superior's order" is a strict criminal policy in the crimes of "insulting a superior" and "illegal shooting" and a lax criminal policy in the crimes of "insulting a superior to a subordinate", "Scare superiors and guards during guarding", "false report" and "deserting from service" are both lenient criminal policy and strict criminal policy.
Keywords: Armed Forces, Iran, Criminal Policy, Special Military Crimes, Discriminatory Policy.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی سیاست کیفری قانون نیروهای مسلح ایران در قبال جرائم خاص نظامی است. جرائم خاص نظامی مانند اهانت به مقام مافوق، اهانت مقام مافوق به مقام مافوق، ترساندن مافوق و نگاهبان در حین نگاهبانی، تیراندازی غیرقانونی، بی‌توجهی به دستور مافوق، گزارش خلاف واقع و فرار از خدمت از جمله جرائم مهم در نظام کیفری نیروهای مسلح ایران هستند، به طوری که در قانون‌های نیروهای مسلح پس از انقلاب اسلامی (قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹) به این جرائم پرداخته شده و مورد حساسیت قانون‌گذار بوده است. پژوهش حاضر که از نظر نوع و هدف کاربردی و با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است در صدد پاسخ به این پرسش است که قانون‌های مجازات جرائم نیروهای مسلح در پس از انقلاب اسلامی در رابطه با جرائم خاص نظامی از چه نوع سیاست کیفری افتراقی تبعیت نموده‌اند؟ می‌توان بیان داشت که سیاست کیفری افتراقی در جرم «بی‌توجهی به دستور مافوق» سیاست کیفری سخت‌گیرانه، در جرائم «اهانت به مقام مافوق» و «تیراندازی غیرقانونی» سیاست کیفری سهل‌گیرانه، در جرائم «اهانت مقام مافوق به مقام مافوق» و «ترساندن مافوق و نگاهبان در حین نگاهبانی»، «گزارش خلاف واقع» و «فرار از خدمت» هم سیاست کیفری سهل‌گیرانه و هم سیاست کیفری سخت‌گیرانه حاکم است.
واژگان کلیدی: نیروهای مسلح، ایران، سیاست کیفری، جرائم خاص نظامی، سیاست افتراقی.

Received: 2024/04/20 - Review: 2024/07/02 - Accepted: 2024/08/12

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

ارجاع:

شاکری، یاسر؛ (۱۴۰۳)، سیاست کیفری ایران در قبال جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح، تمدن حقوقی، شماره ۲۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

قانون‌گذاری در حوزه جرائم نیروهای مسلح، در تمام کشورها از ویژگی خاصی برخوردار است، زیرا نیروهای مسلح دارای وظایف مشخص و معینی بوده و برخی از عملکردهای آن در ارتباط مستقیم با امنیت داخلی و خارجی کشور است؛ بنابراین تبیین قانون‌گذاری و جرم‌انگاری در این حوزه، علاوه بر آن که تخصص‌های مربوط به خود را می‌طلبد، مجازات‌های تعیین شده برای آن نیز، از ظرافت‌های خاصی برخوردار است (شاکری و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۱۲). محاکم نظامی را یکی از خاص‌ترین محاکم در بین نظام‌های قضایی باید محسوب نمود، زیرا شرح وظایف و اهمیت و حساسیتی که بر این نوع از مشاغل حاکم است، قانون‌گذار را مجاب نموده تا سیاست افتراقی را در حوزه کیفری برای آن در نظر گیرد، زیرا جدای از روش سرکوبگرانه و مقابله با جرم در سیاست کیفری، نکته دیگری که می‌تواند حائز اهمیت باشد این است که نیروهای مسلح، وابستگی شدیدی به منابع انسانی داشته و ایجاد هر گونه صدمه به کمیت و کیفیت منابع انسانی که هزینه‌های سنگینی را برای آموزش آن‌ها از طریق دولت‌ها صرف گردیده است مدنظر قرار دارد (شاکری، ۱۴۰۲، ۳۵۶).

برخی از مصادیق مجرمانه در نیروهای مسلح ایران، با توجه به تفکر حاکم بر سیاست‌گذاری در جهت افتراقی نمودن جرائم، به گونه‌ای مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است که ضمن تأکید بر حفظ نظم عمومی، در حفظ نظم یگان‌های نظامی نیز مؤثر واقع گردد. به عبارت دیگر جرائم نظامی در پاره‌ای از

مواقع در صورت عدم تأکید بر مقابله با آن، می‌تواند در نظم عمومی نیز اختلال ایجاد نماید که از جمله مصادیق آن، استفاده غیرقانونی از سلاح است.

سیاست کیفری به‌عنوان یک موضوع مهم که صرفاً به سرکوبگری جرم می‌انديشد، در تلاش است تا با ارائه چهارچوب‌ها و مؤلفه‌های مؤثر، مستقیماً با جرم مواجه شده و با آن به مقابله برخیزد. در حوزه نیروهای مسلح نیز بحث جرم و تبعات ارتکاب آن برای جامعه و سازمان‌های نظامی بسیار حائز اهمیت است، اتفاقاً نکته مهم این است که در صورت بروز جرم در یک محیط غیرنظامی، مقابله با آن اعم از مجازات اعدام، حبس یا شلاق یا سایر مجازات‌ها، صرفاً در همان حوزه مورد بازتاب و انعکاس قرار می‌گیرد مگر در موارد استثنائی که افکار عمومی را جریحه‌دار می‌سازد (مانند خفاش شب^۱ و شهلا جاهد^۲)، اما در جرائم نظامی، در صورت بروز جرم از قبیل ربودن هواپیمای جنگی توسط یک خلبان، تیراندازی به سوی افسران مافوق و... هر چند از جهت مجازات می‌تواند به اعدام، حبس و سایر مجازات‌ها ختم گردد، اما بازخورد و انعکاس آن صرفاً در محیط پادگانی و سازمان نظامی باقی نمی‌ماند بلکه می‌تواند در تفسیرهای صورت گرفته به‌عنوان حلقه ضعیف شده امنیت داخلی کشور و یا کاهش نظم عمومی به نظر آید مانند کودتای نوژه در ۱۳۵۹^۳، حمله‌های تهران در ۱۳۹۶^۴، حمله به مراسم گرامیداشت

۱- غلامرضا خوش‌رو کوران کردیه (یکم آذر ۱۳۴۳ در کوران کردیه (فاروج) - بیست و دوم مرداد ۱۳۷۶ در تهران) معروف به خفاش شب یا خفاش شب‌های تهران از معروف‌ترین قاتلان زنجیره‌ای ایرانی است. وی قتل‌های زنجیره‌ای خود را که همراه با سرقت و تجاوز جنسی بود از سال ۱۳۷۱ در تهران آغاز کرد. یک‌بار در سال ۱۳۷۱ دستگیر شد ولی از چنگ مأموران گریخت و بار دوم در سال ۱۳۷۶ دستگیر و به اتهام نه فقره قتل اعدام شد. البته وی در دادگاه تنها به یک مورد سرقت ماشین و تقسیم اموال مسروقه اقرار کرده و قتل‌ها را کار شخصی به نام حمید رسولی می‌دانست.

۲- خدیجه جاهد، معروف به شهلا (بیستم اردیبهشت ۱۳۴۸-دهم آذر ۱۳۸۹) همسر موقت ناصر محمدخانی بود که به اتهام قتل لاله سحرخیزان، همسر دائم محمدخانی، در هفدهم مهر ۱۳۸۱ در خانه‌ای واقع در میدان کتابی تهران، به قصاص محکوم شد و با امداد دهم آذر ۱۳۸۹ در زندان اوین به دار آویخته شد.

۳- کودتای نقاب (سرواژه «نجات قیام ایران بزرگ») که بعدها به نام کودتای نوژه معروف شد طرحی برای سرنگونی نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی بود. «نوژه» در حقیقت اشاره به نام محمد نوژه، خلبانی که در بیست و پنجم مرداد ۱۳۵۸ و در طی عملیاتی در پایه توسط نیروهای احزاب کرد مورد آتش‌بار قرار گرفت و شهید شد اشاره دارد؛ از این رو که بعد از شهید شدن او نام پایگاه سوم شکاری (مرکز فرماندهی کودتا) به افتخار او به پایگاه شکاری خلبان شهید محمد نوژه تغییر یافت. برنامه در هجدهم تیرماه ۱۳۵۹ با دستگیری و کشته شدن تعدادی از عوامل آن فاش شد. پایگاه هوایی نوژه (شاهرخ) در نزدیکی شهر کبودرآهنگ استان همدان مرکز فرماندهی آن بود. فرماندهی کل کودتا به‌دست سپهبد سعید مهدیون (فرمانده پیشین نیروی هوایی ایران) و رهبری قسمت نیروی هوایی این کودتا برعهده سرتیپ خلبان رئیس آکروجت شاهنشاهی آیت محققى بود.

هفته دفاع مقدس در ۱۳۹۷^۵، حمله به حرم حضرت شاهچراغ (ع) در ۱۴۰۱^۶ و حمله به حرم حضرت شاهچراغ (ع) در ۱۴۰۲^۷ (شاکری، ۱۴۰۲، ۳۶۳).

در پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است اهتمام بر آن بوده تا حتی‌المقدور، برخی مصادیق جرائم خاص نظامی در نظام کیفری نیروهای مسلح ایران مورد بحث و مطالعه قرار گیرد. جرائم مربوط به تکالیف نیروهای مسلح به لحاظ ساختاری به گونه‌ای است که ارتکاب به آن، می‌تواند به نوعی موجب بی‌نظمی در یگان را ایجاد نماید.

۱- جرائم علیه حیثیت معنوی

۱-۱- اهانت به مقام مافوق

قانون‌گذار در ماده «۴۸»^۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۳۱»^۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) به موضوع اهانت به مقام مافوق به صورت صریح اشاره داشته است. در ماده مذکور مؤلفه‌هایی مورد توجه قرار دارد که قانون‌گذار آن را محور اجرای مجازات دانسته است. اول این که از نظر ماده مذکور، فرد اهانت‌کننده باید حتماً نظامی باشد، بنابراین اگر فردی به جهت

۴- حملات ۱۳۹۶ تهران به مجموعه به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم حضرت امام خمینی (ره) در هفدهم خرداد ۱۳۹۶ در تهران اشاره دارد که در نتیجه آن بیست و دو نفر شهید و دست کم پنجاه و دو نفر زخمی شدند.

۵- حمله به مراسم گرامیداشت هفته دفاع مقدس در اهواز، یک حمله مسلحانه در ایران بود که در صبح روز شنبه سی و یکم شهریور ۱۳۹۷ در جریان مراسم رژه نظامی نیروهای مسلح به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس در اهواز روی داد. این حمله چندین کشته و زخمی از نظامیان و مردم عادی به همراه داشت. شورای امنیت سازمان ملل متحد، وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا، اسپانیا، سوریه، پاکستان، الجزایر، ارمنستان و رؤسای جمهور روسیه، مصر و افغانستان و برخی کشورها و نهادها و شخصیت‌های سیاسی دیگر مانند سفیر بریتانیا، امیر کویت، قطر و عمان ضمن تروریستی نامیدن این حمله آن را به شدت محکوم کردند. داعش و بنا به گفته برخی رسانه‌ها گروه الاحوازیه نیز در ابتدا مسئولیت این حمله را بر عهده گرفته‌اند. گروه الاحوازیه اما بعد از یک روز با انتشار بیانیه‌هایی به زبان‌های عربی و انگلیسی، مسئولیت خود در حمله تروریستی اهواز را رد کرد.

۶- حمله به حرم شاهچراغ یک حمله مسلحانه در محوطه حرم شاهچراغ شیراز بود که در عصر چهارم آبان ۱۴۰۱ اتفاق افتاد. در نتیجه این حمله سیزده نفر شهید و بیش از بیست نفر زخمی شدند. ساعتی پس از این حمله، داعش با انتشار بیانیه‌ای مسئولیت این حمله را پذیرفت.

۷- حمله به حرم شاهچراغ یک حمله مسلحانه در محوطه حرم شاهچراغ شیراز بود که در بیست و دوم مرداد ۱۴۰۲ اتفاق افتاد. در این حمله یک نفر از خادمان و یکی از محافظان حرم شهید و هفت نفر دیگر زخمی شدند.

۸- ماده ۴۸: هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن به مافوق خود اهانت نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌گردد.

۹- ماده ۳۱: هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن به مافوق خود به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

یک کار قراردادی یا پیمانکاری به صورت موقت وارد پادگان و محیط نظامی می‌شود، تا انجام کاری مانند تعمیرات تأسیسات یا امور ساختمانی را انجام دهد، اگر با یک فرد نظامی که مسئول آن بخش یا کارگاه می‌باشد، در میان مجادله و بحث توهینی نماید، دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی به توهین مذکور را نخواهد داشت و شخص نظامی یاد شده می‌تواند با استناد به صورتجلسه تنظیمی، در محاکم عمومی از فرد هتاک طرح دعوی نماید. لذا شرط اول مجازات توهین به مقام مافوق، نظامی بودن فرد است.

نکته دومی که در ماده مذکور شرط مجازات بر آن واقف است، بحث خدمت یا در ارتباط با آن است؛ بنابراین اگر فردی نظامی، به یک نظامی مافوق خود، حتی فرمانده مستقیم او در خارج از پادگان، به جهت برخی روابط اجتماعی، توهینی نماید، اهانت مذکور خارج از صلاحیت رسیدگی در دادگاه نظامی می‌باشد، زیرا قانون‌گذار تأکید بر آن داشته که اهانت فرد نظامی به مقام مافوق باید در حین خدمت یا در ارتباط با آن باشد. لذا در صورت اهانت افراد در خارج از محل خدمت یا مأموریت و یا پس از پایان مأموریت، شرایط قانون مذکور بر آنان مترتب نخواهد بود. در نهایت قانون‌گذار به دو نکته دیگر اشاره نموده که یک نکته به‌عنوان موخره ماده و نکته دوم در تبصره ماده است. در نکته موخره مجازات مرتکب با توجه به جمیع شرایط حبس از دو ماه تا یک سال محکومیت است و نکته تبصره آن است که در صورتی که اهانت شکل و وضعیتی داشته باشد که به آن مصداق قذف حاکم باشد، به مجازات جرم مربوطه محکوم خواهد شد (رضوی، ۱۳۸۶، ۲۳).

جرم اهانت به مافوق از جمله جرائمی است که اگر با آن برخورد قانونی نشود، می‌تواند به‌عنوان یک عامل بسیار مهم در ایجاد هرج و مرج تلقی گردد؛ بنابراین جرم اهانت به مثابه سایر جرائم از عناصری تشکیل شده که به‌عنوان ارکان تشکیل‌دهنده جرم مذکور شناخته می‌شوند. درخصوص عنصر قانونی جرم، همان‌گونه که در سطور قبل اشاره گردید، ماده «۴۸» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به‌صراحت به آن اشاره داشته است. در بیان عنصر مادی جرم مؤلفه‌هایی همچون مرتکب جرم، طرف مورد اهانت و عمل مجرمانه دخیل هستند. درخصوص مرتکب جرم، همان‌گونه که ماده «۴۸» قانون موصوف بیان می‌دارد، ارتکاب‌کننده جرم باید نظامی یا جزء افرادی باشد که دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی به جرائم آن‌ها را داشته باشد. همچنین درخصوص طرف جرم باید به این نکته اشاره نمود که مخاطب باید نظامی باشد.

۱-۲- اهانت مقام مافوق به مقام مادون

از جمله جرائمی که آن را می‌توان در سیاست کیفری نیروهای مسلح مورد بحث قرار داد و اتفاقاً از جمله جرائم بسیار حائز اهمیت خصوصاً در مراکز، پادگان‌های آموزشی و دانشکده‌های افسری است جرم توهین مقام مافوق به مقام مادون است که در نظام کیفری نیروهای مسلح ایران مورد جرم‌انگاری واقع شده است.

در رابطه با جرم اهانت از سوی مقام مافوق به مادون و یا پرسنلی که بنابر وظیفه قانونی در معیت فرماندهی بوده و فرمانده مافوق موظف به ارائه آموزش است یا فرماندهی آن‌ها را دارد، موضوع مورد اشاره در ماده «۴۹»^{۱۰} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۳۲»)^{۱۱} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) مورد تأکید واقع گردیده است. حفظ کرامت انسانی، از جمله محوری‌ترین امور در قانون‌گذاری محسوب می‌شود و لذا حفظ شأن و کرامت اشخاصی که بر حسب وظیفه، تحت امر فرماندهی قرار می‌گیرند، باید رعایت گردد. بر همین اساس، اگر فرماندهی در جهت انجام وظایف خویش، نسبت به پرسنل تحت امر خود رفتاری توهین‌آمیز داشته باشد که در عرف نظامی، عمل فرمانده مجرمانه محسوب گردد، از دیدگاه قانون به مجازاتی از قبیل حبس از دو ماه تا یک سال محکوم گردیده و در صورتی که عمل مذکور پیرو قوانین جزائی مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد به مجازات‌های فوق نیز محکوم خواهد شد.

نکته حائز اهمیت در این مورد آن است که، فرد مورد اهانت واقع شده، باید از پرسنل تحت امر بوده و به لحاظ قانونی، مسئولیت فرماندهی فرد مورد اهانت واقع شده با فرد اهانت‌کننده باشد؛ بنابراین اگر فرماندهی به فردی که به لحاظ درجه و مقام پایین‌تر از او است، اهانت نماید ولی به‌عنوان فرمانده مستقیم محسوب نگردد، از حوزه ماده مذکور خارج می‌گردد، اما این امر دلیل بر آن نخواهد بود که روش مذکور در اهانت به اشخاص در نیروهای مسلح از هیچ مجازاتی مصون بماند، بلکه در چنین حالتی فرد می‌تواند به مقامات ارشدتر از خویش گزارشی ارائه داده و به اتهام اهانت و توهین به خویش، از فرمانده

۱۰- ماده ۴۹: هر یک از فرماندهان و مسئولان نظامی به افراد تحت امر خود اهانت و یا خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین‌نامه انضباطی آنان را تنبیه نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم و هرگاه به موجب قوانین جزائی دیگر مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد به آن مجازات نیز محکوم می‌گردد.

۱۱- ماده ۳۲: هر یک از فرماندهان و مسئولین خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین‌نامه انضباطی به افراد تحت امر خود اهانت یا آن‌ها را تنبیه نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم و هرگاه به موجب قوانین جزائی دیگر مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد به آن مجازات نیز محکوم می‌گردد.

مذکور طرح دعوی نماید که موضوع در محاکم نظامی مورد رسیدگی واقع خواهد شد. در جرم مورد اشاره نیز، عناصری بر جرم مترتب است که احراز عناصر آن موجب اثبات جرم می‌گردد. از لحاظ عنصر قانونی، می‌توان محور جرم را بر مبنای ماده «۴۹» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مستند نمود و از لحاظ عنصر مادی جرم با توجه به مفاد ماده مذکور مؤلفه‌هایی از قبیل فرماندهان و مسئولان به‌عنوان مرتکبین جرم، مورد توجه قانون‌گذار است. از سوی دیگر، بلافاصله با مشخص شدن مرتکب جرم، توهین شونده یا مخاطب مرتکب جرم نیز از سوی قانون‌گذار معرفی گردیده است، آن جا که ماده «۴۹» بیان می‌دارد «افراد تحت امر خود». به عبارت دیگر از نظر قانون‌گذار، اگر اهانت انجام شده و یا تخلف صورت گرفته، به غیر از افراد تحت امر فرمانده هتاک باشند، نمی‌تواند مصداق ماده «۴۹» را داشته باشد، هرچند به لحاظ کیفری این عمل نیز قابلیت پیگیری قانونی را در مراجع ذیصلاح خواهد داشت.

درخصوص این که چگونه فعلی در ماهیت ماده «۴۹» مدنظر قانون‌گذار می‌باشد، باید به این نکته اشاره نمود که اصولاً نوع فعل در جرم اهانت از نوع فعل مثبت است، یعنی باید رفتاری مبتنی بر اهانت، ایجاد شود تا بتوان آن را مبتنی بر ماده «۴۹» دانست و با ترک فعل، نمی‌توان از عمل و رفتار فرد، برداشتی مجرمانه نمود. از دیگر عناصر بسیار مهم و قابل ذکر در جرم مذکور، می‌توان به عنصر روانی جرم اشاره نمود. اصولاً جرائمی همچون جرم اهانت، را باید در دسته جرائم عمدی و مطلق قرار داد؛ بنابراین، سوءنیت عام را می‌توان هسته اصلی این نوع از جرائم به لحاظ عنصر روانی دانست (رضوی، ۱۳۸۶، ۲۲۵).

۲- جرائم علیه امنیت

۲-۱- تیراندازی غیرقانونی

از جمله جرائمی که از سوی پرسنل نیروهای مسلح، امکان وقوع آن وجود دارد جرم تیراندازی غیرقانونی و صدمات و زیان‌های ناشی از آن است. پرسنل نیروهای مسلح، علی‌الخصوص پرسنل نیروهای انتظامی، با توجه به مأموریت‌های محوله، احتمال استفاده آن‌ها از سلاح، متصور است، اما نکته حائز اهمیت این‌که، استفاده از سلاح و تیراندازی به وسیله آن، چه زمانی، قامتی غیرقانونی گرفته؟ و هرچند در حین مأموریت، ولی می‌تواند استفاده‌کننده از اسلحه را مجرم شناخته و حتی او را مجازات نمود.

اصولاً در رابطه با استفاده از اسلحه «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد

ضروری مصوب ۱۳۷۳»، فصل الخطاب قرار گرفته و بر مبنای آن، پیرامون قانونی یا غیرقانونی بودن استفاده از اسلحه ملاک قرار خواهد گرفت. هرچند در ماده «۴۱»^{۱۲} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۲۴»)^{۱۳} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱) قانون گذار به این موضوع نیز اشاره داشته است. اما با این وصف به نظر می‌رسد که اصولاً تیراندازی‌های صورت گرفته از سوی نیروهای مسلح را به صورت کلی و عمده می‌توان به دو نوع مختلف تقسیم نمود که نتایج حاصل از هر یک، دارای وضعیتی مخالف هستند. در تقسیم‌بندی تیراندازی‌های صورت گرفته می‌توان آن‌ها را به تیراندازی‌های حمایت شده از قانون و تیراندازی‌های فاقد حمایت قانونی تقسیم نمود.

در تیراندازی‌های حمایت شده قانونی، اصولاً مأموریت به پرسنل نیروهای مسلح ابلاغ و آن‌ها در چهارچوب مأموریت ابلاغی اقدام می‌نمایند، یادآوری این نکته نیز ضروری است که مأمورین نیروهای مسلح، در صورتی که ابلاغ برای انجام مأموریت در یک نقطه خاص جغرافیایی را داشته باشند، دلیل بر آن نیست که در هر منطقه‌ای که خود صلاح بدانند نسبت به انجام مأموریت اقدام نمایند مگر آن که دستور از سوی فرمانده مافوق یا مقام قضایی (اصولاً دادستان) صادر شده باشد. به عنوان مثال اگر به مأمور کلانتری یکصد و سی و پنج تهران در منطقه یوسف آباد، مأموریت ابلاغ شود تا به انجام گشت زنی پرداخته و در صورت مشاهده با جرم برابر قانون عمل نماید، دلیلی ندارد که نامبرده، از این امر سوءاستفاده نموده و در سفری که به شیراز می‌نماید، اسلحه را با خود حمل و در آنجا نیز به دنبال برخورد قانونی با جرم اقدام نماید، هرچند مقابله با جرم مشهود از جمله وظایف همه اعضای جامعه است که در صورت نبود مأمورین انتظامی و عدم دسترسی به مأمورین، حتی المقدور تا جایی که جان و مال آن‌ها به خطر نیفتند، نسبت به ایجاد مانع برای اجرای جرم اقدام نمایند. با این وصف دلیلی ندارد که مأمور کلانتری مذکور، از اسلحه مورد نظر در سفر خویش به شیراز به جهت کسب اجازه روز پیش جهت گشت زنی در منطقه یوسف آباد تهران از آن استفاده نماید. با نگاهی به «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد

۱۲- ماده ۴۱: هر نظامی که در حین خدمت یا مأموریت برخلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود علاوه بر مجازات مذکور، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود و چنانچه از مصادیق مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ باشد به مجازات مندرج در مواد مذکور محکوم خواهد شد.

۱۳- ماده ۲۴: هر نظامی که برخلاف مقررات و ضوابط مبادرت به تیراندازی نماید عمل او جرم محسوب و به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و چنانچه منجر به قتل یا جرح گردد طبق قانون قصاص و دیات با او رفتار خواهد شد.

ضروری مصوب ۱۳۷۳»، یک نکته بسیار حائز اهمیت است که قانون‌گذار در عنوان این قانون از عبارت «در موارد ضروری»^{۱۴} استفاده نموده است. یعنی این که، مأمورین نیروهای مسلح، صرفاً در مواردی که قانون‌گذار برای آن‌ها تعیین نموده حق استفاده از اسلحه را دارند.

پیرامون سیاست کیفری افتراقی در رابطه با سیاست‌گذاری در حیطه استفاده از سلاح و تیراندازی باید به این نکته مهم اشاره نمود که اصولاً زمانی که یک سیاست‌گذاری افتراقی مدنظر اندیشمندان قرار می‌گیرد، باید روش‌هایی که به وسیله آن بتوان به آن جامع عمل پوشاند نیز مشخص گردد، زیرا فی‌نفسه نمی‌توان به صرف ایجاد سیاست افتراقی پیرامون یک موضوع بدون در نظر گرفتن راهکار اجرای آن سیاست، در انتظار نشست تا آن خط‌مشی سیاسی به اجرا در آید، زیرا اصولاً فاصله بین فکر تا عمل بسیار بوده و بسیاری از نظریات در حوزه عمل، با شکست مواجه می‌گردند؛ بنابراین سیاست افتراقی که پیرامون به کارگیری سلاح در «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳» مورد تصویب قرار گرفته است با مشکلاتی در این خصوص مواجه است. به عنوان مثال، با نگاهی به ماده «۳»^{۱۵} «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳» و ماده‌های «۲»^{۱۶} و «۳»^{۱۷} «آیین‌نامه اجرایی تبصره بند پنجم ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران

۱۴- ماده ۱: مأمورین مسلح موضوع این قانون که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضاییه به تفتیش، تحقیق و کشف جرائم و اجرای احکام قضایی و یا سایر مأموریت‌های محوله، مجاز به حمل و بکارگیری سلاح هستند موظفند به هنگام بکارگیری سلاح در موارد ضروری کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند.

۱۵- ماده ۳: مأمورین انتظامی در موارد زیر حق بکارگیری سلاح را دارند: ۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید. ۲- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون بکارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد. ۳- در صورتی که مأمورین مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است. ۴- برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد. ۵- در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد. ۶- برای حفظ اماکن انتظامی (مقر نیروهای انتظامی از قبیل مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه، پایگاه، انبار سلاح یا مهمات و مرکز آموزشی). ۷- برای حفظ سلامتی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان است. ۸- برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده به ویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هر گونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگان‌گیری و اشغال. ۹- برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیرمجاز قصد ورود و یا خروج را داشته و به اخطار مأمورین مرزبانی توجه نمی‌نمایند. ۱۰- برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی.

۱۶- ماده ۲: مأموران ذیربط در صورت مشاهده فرار بازداشتی یا زندانی موظفند به ترتیب زیر اقدام کنند: الف- با استفاده از امکانات موجود نسبت به تعقیب و دستگیری فرد متواری اقدام نمایند. ب- با صدای بلند و رسا سه مرتبه به فرد یا افراد متواری ایست بدهند. ج- با

نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب «۱۳۸۱» قانون گذار بیان نموده، مأموران حق دارند تا از اسلحه در مقابل دفاع از جان و مال خود یا دیگران در قبال افرادی که قانون گذار در بند اول، بند دوم و بند سوم قانون مذکور به آن‌ها اشاره داشته است، استفاده نمایند.

این که قانون گذار به چنین اقدامی دست زده و مصادیق را عنوان نموده بسیار مهم و حائز اهمیت است، اما این موضوع صرفاً در سیاست کیفری افتراقی قابل طرح شدن است زیرا در وهله اجرا، با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود و این جا است که باید بین سیاست کیفری افتراقی و روش‌های انجام آن یک تعامل و همسویی ایجاد شود. نقطه ضعف قانون مذکور را باید در این موضوع جست‌وجو نمود که از نظر قانون فقط استفاده از اسلحه در مقابل دفاع از جان و مال مطرح گردیده است و دفاع در مقابل سایر مصادیق همچون ناموس، عرض و آزادی فرد را شامل نمی‌شود، زیرا هر یک از مصادیق فوق به لحاظ مفاهیم اصطلاحی مفاهیم خاص خود را به همراه دارد. حال در چنین صورتی که فرد مأمور در رابطه با عرض، ناموس و آزادی خود و دیگرانی که در مفاد ماده «۳» «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳»، به سوی فرد مقابل تیراندازی نماید (با احراز تمامی شرایط) در چنین مواقعی، او حائز شرایط استفاده از سلاح نخواهد بود. ضمن آن که اصولاً این ماده با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در تعارض است و تعارض آن را می‌توان با ماده «۱۵۶»^{۱۸} قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ملاحظه نمود زیرا در این قانون هر گونه دفاع از عرض، ناموس و جان برای فرد مجاز است. حتی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار این اجازه را به اشخاص داده است که اگر مأمورین و ضابطین قضایی در حین انجام وظیفه، از حدود قانونی خود عدول کرده و

رعایت اطراف و جوانب به نحوی که به دیگران آسیب نرسد، اقدام به شلیک تیرهایی نمایند. - در صورت عدم تأثیر اقدامات فوق، فرد متواری را از ناحیه کمر به پایین مورد هدف قرار دهند.

۱۷- ماده ۳: در شرایطی که رعایت ترتیبات موجب متواری شدن بازداشتی یا زندانی می‌شود، مأمور یا مأموران مجاز به استفاده از سلاح بدون رعایت ترتیبات فوق هستند.

۱۸- ماده ۱۵۶: هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هر گونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود: الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد. پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

موجبات به خطر انداختن جان، مال، عرض و ناموس افراد را فراهم سازند حق مقابله و دفاع برای فرد متصور گردیده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ۱۴۴).

از دیگر مباحثی که در سیاست کیفری در به کارگیری از سلاح صرفاً به سیاست گذاری آن اکتفاء گردیده ولی در ورطه عمل با ابعاد مختلفی همراه است بحث ماده «۹»^{۱۹} «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳» است. در این ماده، قانون گذار به وصف یکی از جرائم در حوزه استفاده از اسلحه بنا به دستور فرمانده، بدون آن که فرد آموزشی در این خصوص دیده باشد پرداخته است. در تعیین خط مشی لازم برای ماده «۹» قانون مذکور، قانون گذار در اختیار گذاشتن سلاح و اعزام فرد به مأموریت در حالی که فرد مأمور، هیچ گونه آموزشی پیرامون سلاح مذکور ندیده باشد، آن را از مسئولیت های فرمانده اعزام کننده به مأموریت دانسته است، البته قانون گذار در ابتدا بیان نموده که فرد انتخاب شده برای مأموریت، باید عدم آگاهی خود از نحوه استفاده از اسلحه را به اطلاع فرمانده برساند. اما در قسمت پایانی ماده مذکور، قانون گذار به این موضوع اشاره داشته است که اگر مأمور مذکور، در حدود دستورات فرمانده مأموریت را انجام دهد، فرمانده مورد نظر در صورت وقوع اتفاق در این خصوص دارای مسئولیت است.

نکته حائز اهمیت این که، خط مشی و سیاست گذاری در این حوزه با آنچه که نتیجه جرم است تا حدودی با مشکلاتی مواجه می گردد. مصداق بارز آن این که، قلمرو مسئولیت فرمانده مورد نظر، حتی اگر فرد تمامی دستورات را رعایت نموده و مأموریت را در حیطه دستورات فرمانده مذکور انجام دهد، چگونه خواهد بود؟ زیرا در ماده مذکور قانون گذار هیچ اشاره ای ننموده که اگر فردی که آموزش سلاح خاصی ندیده است، وضعیت استفاده او از سلاح چگونه خواهد بود؟ و در صورت حدوث وقایع بر مبنای استفاده از اسلحه مذکور، چه نتایج کیفری را برای وی به دنبال خواهد داشت؟ به نظر می رسد که سیاست کیفری افتراقی، در احصاء برخی از قوانین صرفاً به بخش آخر قانون که همان مجازات است توجه داشته و این که ابزارهای محکوم شدن فرد از چه قواعدی پیروی نماید چندان حائز اهمیت نخواهد بود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ۱۴۴).

۱۹- ماده ۹: مأمورینی که آموزش کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است ندیده اند باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند و در صورتی که مأموریتی به این قبیل افراد محول شود فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود مشروط بر این که مأمور در حدود دستور فرمانده اقدام کرده باشد.

در بررسی ماهوی جرم تیراندازی غیرقانونی که قانون‌گذار در ماده «۴۱» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به آن پرداخته است، لازم است تا به عناصر مختلف آن اشاره‌ای مستقیم صورت پذیرد. در بحث عنصر قانونی جرم، استناد به ماده «۴۱» قانون مذکور را باید صریح‌ترین ماده قانونی در این خصوص دانست به گونه‌ای که قانون‌گذار حدود و ثغوری نیز در محکومیت یا برائت ناشی از تیراندازی مشخص نموده است. ماده مذکور در دو بخش به بحث تیراندازی توسط مأمورین اقدام نموده است. در بخش اول تیراندازی غیرقانونی و بخش دوم تیراندازی قانونی. فارغ از هر نتیجه‌ای که در دو نوع تیراندازی مورد اشاره ماده «۴۱» حاصل گردد، محور بحث ماده «۴۱» بر مبنای خلاف مقررات و طبق مقررات بودن تیراندازی است. در زمانی که تیراندازی برخلاف مقررات صورت گرفته باشد، مسئولیت کیفری برای تیرانداز به همراه دارد و این مسئولیت کیفری می‌تواند مجازات‌های پرداخت دیه یا قصاص را نیز به همراه داشته باشد؛ بنابراین معیار و میزان در بررسی تیراندازی غیرقانونی را باید بر قانون و مفاد مورد اشاره آن بنا نمود.

۲-۲- ترساندن مافوق و نگهدارنده در حین نگهداری

یکی از جرائمی که در پاره‌ای از مواقع، در محیط‌های نظامی به وقوع می‌پیوندد، را باید تهدید و توسل به آن دانست. اصولاً در محیط‌های نظامی، به جهت حاکمیت قانون و وجود سلسله‌مراتب، اشخاص نظامی از اختیارات محدودی برخوردارند و این امر می‌تواند برای برخی از دیگر اشخاص نظامی، امری غیرقابل پذیرش محسوب گردد، بنابراین فرد خاطی، با استفاده از حربه و ابزار تهدید، تلاش می‌نماید تا به هر نحو ممکن به خواسته غیرقانونی خود با توجه به اختیارات فرماندهان و برخی از پرسنل هم‌تراز دست یابد.

هرچند که در بسیاری از مواقع، هدف از تهدید و دستیابی به خواسته، صرفاً به جهت منافع شخصی می‌باشد، اما در پاره‌ای از مواقع نیز این امر مربوط به جرائمی با وسعت بیشتر، همچون جاسوسی و خرابکاری است. ماده «۵۰»^{۲۰} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۲۸»^{۲۱} قانون

۲۰- ماده ۵۰: هر نظامی که حین خدمت یا در ارتباط با آن، مافوق خود یا مراقب یا نگهدارنده را در ارتباط با انجام وظیفه آنان تهدید نماید، به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

۲۱- ماده ۲۸: هر نظامی در حین خدمت یا در ارتباط با آن به نگهدارنده یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی تعرض یا اهانت نماید به ترتیب زیر محکوم می‌شود. ۱- هرگاه مرتکب با سلاح تعرض نماید به حبس از سه تا پانزده سال و اگر صدمه‌ای به نگهدارنده وارد آورد علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه نیز محکوم می‌گردد. ۲- هرگاه مرتکب بدون سلاح تعرض نماید به حبس از یک تا

مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱)، هیچ‌گاه به صورت تمثیلی به این موضوع نپرداخته است و صرفاً مفاد ماده، با استفاده از واژه‌های کلی، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، اما واقعیت امر این است که به نظر می‌رسد قانون‌گذار نیز به مفاهیم و منطوق ماده کاملاً آشنا بوده و استفاده از کلمه تهدید، می‌تواند در مفاهیم، معانی و مقاصد مختلف استفاده گردد، در غیر این صورت قانون‌گذار می‌توانست از مجاب کردن غیرقانونی یا ایجاد تغییر در نظر فرد مذکور (اعم از فرمانده یا نگهبان) استفاده نماید، زیرا ماهیت تهدید به گونه‌ای است که آنچه به ذهن متبادر می‌گردد، تحت فشار قرار دادن تهدید شونده و انجام عملی برخلاف میل و اراده طرف مقابل و یا الزام فرد به انجام کاری بدون اراده و نظر او با هر وسیله ممکن است؛ بنابراین تهدید می‌تواند از طریق شانتاژ^{۲۲} یا این که با استفاده از سلاح سرد و گرم نیز باشد. هرچند به نظر می‌رسد به جهت دامنه تهدید به لحاظ گستردگی، حتی استفاده از برخی امکانات شخصی و در اختیار گذاشتن آن به فرمانده یا پرسنل و سپس سوءاستفاده از این موضوع نیز می‌تواند به نوعی شانتاژ یا ایجاد فشار به فرد محسوب شده تا او نیز مجبور به انجام یک فعل مجرمانه یا ترک فعلی قانونی گردد.

در خصوص تهدید آنچه که می‌توان به صورت اصطلاحی بیان نمود، می‌تواند از حالت‌های مختلفی تشکیل شود و فرد مورد تهدید نیز در انتخاب نوع تهدید بسیار حائز اهمیت است، برخی از افراد به هراس از موقعیت شغلی و شرافتی خویش، با یک نوع تهدید تسلیم می‌گردند و برخی دیگر با تهدیدهایی به مراتب قوی‌تر یا ضعیف‌تر؛ مهم این است که مؤلفه تهدید به عنوان یک ابزار فشار مورد استفاده قرار گیرد، حال این تهدید می‌تواند شفاهی یا به صورت کتبی نیز باشد. هرچند در دنیای پیشرفت تکنولوژی برخی از تهدیدها می‌تواند به صورت حضوری و برخی غیرحضوری باشد.

در بررسی عناصر مختلف تهدید می‌توان چنین اشاره نمود که به لحاظ عنصر مادی جرم، مرتکب جرم همانند سایر جرائم نیروهای مسلح، باید از پرسنل نیروهای مسلح محسوب گردد، لذا تهدید افراد غیر از نیروهای مسلح، هرچند در رابطه با وظایف نیروهای مسلح باشد شامل ماده «۵۰» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نگردیده ولی از طریق دیگری قابل پیگیری قضایی است. آنچه که مدنظر

سه سال و اگر صدمه‌ای به نگهبان وارد آورد علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه نیز محکوم می‌گردد. ۳- هرگاه مرتکب به نحوی به نگهبان اهانت یا او را تهدید نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود مگر آن که اهانت او قذف باشد که به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد.

۲۲- تحت فشار قرار دادن با برخی اسناد و مدارک.

قانون‌گذار در ماده مذکور می‌باشد، این است که طرف تهدیدشونده نیز باید حتماً یا مقام مافوق تهدیدکننده باشد، یا این که مراقب و نگهبان.

در این که مقام طرف تهدیدشونده باید مافوق تهدیدکننده باشد، نکته بسیار مهم این است که سلسله‌مراتب در نیروهای مسلح، به گونه‌ای است که تمامی اعضای فرماندهی با یکدیگر در ارتباط هستند، بنابراین در یک پادگان نظامی و به‌عنوان مثال در یک واحد مانند واحد ترابری، هرچند پرسنل ترابری زیر نظر فرمانده مستقیم خود^{۲۳} قرار دارند، اما فرمانده پادگان و معاونین فرمانده پادگان به‌عنوان فرمانده مافوق او محسوب می‌گردند؛ بنابراین اگر فردی در بخش بهداری یک پایگاه نظامی، عملی تهدیدآمیز (اعم از نوشته یا گفتار یا هر سند دیگر) را نسبت به هریک از معاونان پایگاه نظامی به کار برده و از این طریق، به خواست خویش دست یابد، در واقع مرتکب جرم در ماده «۵۰» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ گردیده است، اما اگر همین فرد که در بخش بهداری نیروی زمینی و در یک گردان خدمت می‌نماید، اگر وارد ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران شده و در آن جا فرماندهی را تحت شانناژ یا تهدید قرار دهد، هرچند مرتکب عمل مجرمانه شده اما جرم وی فاقد ماهیت مفاد ماده «۵۰» قانون مذکور می‌باشد، لذا او هیچ‌گاه با توجه به ماده فوق‌الذکر محاکمه نخواهد شد.

در رابطه با این که آیا جرم تهدید و جرم اهانت، به لحاظ شکلی و ماهیتی یک نوع جرم محسوب می‌گردند؟ باید به این نکته اشاره نمود که در جواب پاسخ به این موضوع، اداره حقوقی قوه قضاییه، در نظریه مشورتی^{۲۴} اعلام نموده تهدید و اهانت به هیچ‌عنوان یک نوع جرم محسوب نمی‌گردند، هرچند تهدید را می‌توان به نوعی اهانت دانست یا اهانت را نیز به مثابه تهدید در نظر گرفت (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۳، ۱۹۵).

در رابطه با بحث تهدید نگهبان، موضوع هرچند در ماده «۵۰» با تهدید مقام مافوق در یک ردیف قرار گرفته است، اما اصولاً بر اساس قواعد نظامی، اگر برای مکانی نگهبانی گمارده می‌شود، به جهت اهمیت مکان مورد نظر می‌باشد، به عبارت دیگر در یک محیط نظامی، اماکن مختلفی قرار دارند همچون مسجد، سالن غذاخوری، سالن همایش و... اما حفاظت از این مکان‌ها مربوط به حفاظت عمومی از پادگان است و هیچ‌گاه برای این اماکن از نگهبان اختصاصی در وضعیت عادی استفاده نمی‌شود، اما اماکن مهم و حساس

۲۳- رئیس اداره ترابری.

۲۴- شماره ۲۲۱/۷ مورخ ۱۳۸۲/۰۱/۲۶

همچون انبارهای مهمات، انبار لجستیک، اسلحه‌خانه و... دارای نگهبان بوده و از آن‌ها شدیداً محافظت می‌گردد، لذا افرادی که نگهبان مراکز این چنینی را مورد تهدید قرار می‌دهند اهداف آن‌ها می‌تواند یا خرابکاری یا سرقت از پادگان باشد و اصولاً هم نگهبانی مراکز این چنینی با سربازان وظیفه و یا حداکثر با پرسنل کادر نظامی درجه‌دار^{۲۵} می‌باشد، با این وصف قانون‌گذار به جهت حساسیت موضوع، به لحاظ مجازات جرم تهدید و قانون‌گذاری آن، این دسته از افراد (نگهبانان) را در سطح اهانت به فرماندهان دانسته است، زیرا به لحاظ شغلی و انجام وظیفه، از موقعیت بسیار حساس و مهمی برخوردارند؛ بنابراین با توجه به موضوع فوق در عنصر روانی این جرم نیز می‌توان آن را صرفاً سوءنیت عام دانسته و صرف تهدید به هر روشی می‌تواند مجازات قانونی آن که عبارت است از حبس از دو ماه تا یک سال را به همراه داشته باشد.

۲-۳- نئو دستور مافوق

در دنیای نظامی گری، انضباط و حفظ نظم از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که کوچک‌ترین رفتار محل آن قابل تحمل نیست، زیرا مسئله نظم در نیروهای مسلح، رکنی اساسی و بنیادی محسوب می‌شود که نمی‌توان اختلال آن را پذیرفت. از موجبات تحقق نظم لزوم اطاعت‌پذیری تقریباً مطلق در اجرای فرمان‌ها یا به عبارت دیگر امتثال اوامر قانونی آمر صالح است، به طوری که عدول یا حتی مخالفت صرف با این مسئله را نمی‌پذیرند و تا حد امکان قابل مجازات تلقی کرده و اصل و قاعده را به طور آمرانه بر تسلیم بدون چون و چرای نظامیان در مقابل اوامر و فرمان‌های قانونی فرماندهان قرار داده است و برای آن ضمانت‌اجرا مقرر کرده‌اند.

اوامر مورد بحث دو دسته‌اند: یک دسته الزامات و نواهی که برای همه نظامیان مقرر شده و عدول ایشان از آن، قابل مجازات است، دسته دیگر اوامری که به طور مستقیم، معین و مشخص بیان نشده‌اند، بلکه قانون‌گذار در یک مفهوم کلی نیروهای مسلح را ملزم به رعایت مصادیقی کرده است که توسط شخص ذیصلاح معین می‌شود، به نحوی که امر قانون‌گذار، مستغرق امر او شود. در این دسته، قانون‌گذار شخص ذیصلاح را معین می‌کند که اختیار صدور دستور دارد و به‌رغم افراد مشابه دیگر در سایر نهادها، دستور این آمر واجب‌الاطاعه دارای ضمانت‌اجرای کیفری است. در بررسی جرم لغو دستور مافوق با هر دو دسته دستور سروکار داریم که در معنی اعم (دسته اول)، تمام اوامر و نواهی را شامل می‌شود، حتی آن‌هایی که به تجویز

۲۵- در ساختار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به پایین‌ترین رده نظامی پرسنل کادر، درجه‌دار می‌گویند که شامل درجات گروهبانی و استواری می‌شود. این رده بالاتر از سرباز و پایین‌تر از افسر است.

قانون‌گذار، وصف کیفری ندارد. در دسته دوم، شخصی در راستای اداره کردن یا ارائه خدمت دارای اختیاری می‌شود به طوری که اوامری را برای افراد تحت امر صادر کند، اما این الزامات در قانون به صورت فعل یا ترک فعل مشخصاً معین نگردیده‌اند، بلکه اختیار تعیین موضوع آن با آمر است و قانون‌گذار فقط اوامر او را الزام‌آور قرار داده و عدول از آن را دارای ضمانت اجرا نموده است (فرامرزی، ۱۳۸۵، ۵۷).

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در ماده «۳۷»^{۲۶} (ماده «۲۲»^{۲۷} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) به موضوع لغو دستو و مجازات آن اشاره نموده است. با توجه به متن ماده «۳۷» قانون فوق می‌توان به چند نکته اشاره نمود: اول این که لغو دستو صرفاً مربوط به وظایف نظامی نبوده و در وظایف ستادی نیز حاکم است، زیرا در قانون مذکور، لغو دستو فرمانده نظامی و رؤسای مربوطه را مدنظر قرار داده است؛ بنابراین اگر فردی که در بخش غیر عملیاتی، همچون دارایی یا حوزه بهداشت نیروهای مسلح مشغول فعالیت است و سرپرست یا مسئول وی فاقد درجه نظامی بوده و صرفاً به عنوان مسئول شناخته می‌شود، لغو دستو در چنین مواردی، از دیدگاه قانون با لغو دستو فرمانده نظامی تفاوتی نمی‌نماید. قانون‌گذار در بند «الف» ماده فوق، تلاش نموده در وهله اول لغو دستو را در میدان جنگ مورد اشاره قرار دهد، هر چند ذکر مفسدان در این متن، به معنای اشخاصی هستند که به صورت مسلحانه بر علیه نظام اقدام نموده و از دیدگاه قانون، جرم آنان مصداق مفسد فی الارض (ماده «۲۸۶»^{۲۸} قانون مجازات اسلامی مصوب

۲۶- ماده ۳۷: هر نظامی که اوامر فرماندهان یا رؤسای مربوط را لغو نماید به ترتیب زیر محکوم می‌شود: الف- هرگاه از امر حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان امتناع ورزد، چنانچه حاکی از همکاری با دشمن باشد و یا موجب اختلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال. ب- اگر مخالفت با اوامر در ناحیه‌ای است که در آن حالت جنگی یا محدودیت‌های ضروری اعلام شده و آن مخالفت مربوط به امور جنگی یا مقررات حالت محدودیت‌های ضروری باشد در صورتی که عمل او موجب اختلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام باشد به مجازات محارب والا به حبس از دو تا ده سال.

۲۷- ماده ۲۲: هر نظامی که اوامر فرماندهان یا رؤسای مربوط را لغو نماید به ترتیب زیر محکوم می‌شود. ۱- هرگاه از امر حرکت به طرف دشمن یا محاربین و مفسدین امتناع ورزد و مخالف مقررات عمل نماید در صورتی که حاکی از همکاری با دشمن باشد و یا موجب افساد و اختلال در نظام و یا شکست جبهه اسلام گردد در حکم محارب و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود. ۲- اگر مخالفت با مقررات در ناحیه‌ای باشد که در آن حالت جنگی یا محدودیت‌های ضروری اعلام شده باشد و آن مخالفت مربوط به امور جنگی یا مقررات حالت محدودیت‌های ضروری باشد در صورتی که عمل او موجب افساد و اختلال در نظام و یا شکست جبهه اسلام نباشد به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.

۲۸- ماده ۲۸۶: هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا

۱۳۹۲) است. با این وصف در بخش دوم، موضوع با بخش اول بند «الف» کاملاً متفاوت است، زیرا در این بخش رفتار موجب همکاری، با دشمن مورد مصداق قرار گرفته است که این امر البته نمی‌تواند به‌عنوان لغو دستور محسوب گردد، هرچند به نظر می‌رسد در پاره‌ای از مواقع، لغو دستور شاید بتواند بیانگر نوعی همکاری با دشمن محسوب گردد که البته می‌توان در چنین مواقعی از لفظ خیانت نیز استفاده نمود و بدیهی است که لفظ خیانت نسبت به عمل فوق نزدیک‌تر است تا لفظ تمرد.

در بخش سوم از بند «الف» ماده فوق، قانون‌گذار مصادیق رفتار منجر به اختلال در نظام و یا شکست جبهه اسلام را مدنظر قرار داده است که تمامی مصادیق فوق از دیدگاه قانون‌گذار، عواقب لغو دستور فرماندهان و روسا هستند، لذا در نهایت، لغو دستور در شرایط خاص حتی می‌تواند به محارب شناخته شدن فرد نظامی نیز منجر گردد.

نکته حائز اهمیت این که باید به این موضوع اشاره نمود که جایگاه مقام دستوردهنده و میزان اختیارات مقام دستوردهنده در اجرای یک امر، نیز می‌تواند حائز اهمیت باشد، زیرا با توجه به وجود سلسله‌مراتب فرماندهی در نیروهای مسلح، مطمئناً نوع دستور و اختیاراتی که از سوی فرمانده لشکر صادر می‌گردد، با نوع دستور و اختیاراتی که بک گروهبان در یگان نیروهای مسلح صادر می‌نماید، می‌تواند متفاوت باشد به همین نسبت، نوع تمرد نیز ممکن است متفاوت در نظر گرفته شود. همچنین یادآوری این نکته نیز قابل ذکر است که بحث محارب دانستن لغو دستور فرمانده یا روسا در جنگ نیز از شرایط خاص و مختلفی برخوردار است، ولی با این وصف قانون‌گذار در بند «الف» ماده «۳۷» سه وضعیت را در نظر گرفته است و محارب بودن لغو دستور را مبتنی بر سه حالت فوق قرار داده است: وضعیت حرکت به سمت دشمن، محاربان و مفسدان و سایر مباحث بند «الف» را در حوزه سه وضعیت فوق مورد پیش‌بینی قرار داده است.

نکته ابهام در ماده فوق‌الذکر آن جا قرار دارد که اگر سه وضعیت فوق حاکم نبوده و فرد مرتکب لغو دستور شده و این لغو دستور، مفهوم آن همکاری با دشمن و یا اختلال در نظام باشد، آیا با توجه به ذکر مصادیق فوق‌الذکر، می‌تواند اتهام محارب بر او وارد آید؟ به نظر می‌رسد بهتر می‌بود که قانون‌گذار، همچون بند «ب» ماده فوق موقعیت جنگی و شرایط جنگ را ملاک عمل قرار می‌داد. در بند «ب» ماده «۳۷»، قانون‌گذار شرایط جنگی را محور مجازات قرار داده و بحث محدودیت‌های ضروری را مدنظر قرار

معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

داده است، اما محدودیت‌های ضروری را مصداق یک امر نسبی دانسته و هیچ تعریف جامع و مشخصی برای آن در نظر نگرفته است زیرا در انتهای بند مذکور، فرد تَمَرّدکننده را به‌عنوان محارب نیز شناسایی نموده است. اما معیارهای تشخیص این که محدودیت‌های ضروری کدام‌ها هستند و اصولاً بر چه مبنائی استوار گردیده‌اند از نواقص بارز در ماده مذکور می‌توان محسوب نمود.

از دیگر ماده‌های قانونی درخصوص لغو دستور می‌توان به ماده «۳۸»^{۲۹} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ اشاره نمود. در این ماده قانون‌گذار تلاش نموده تا مرزی بین مفاهیم ماده «۳۷» و ماده «۳۸» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ قائل گردد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در ماده مذکور، قانون‌گذار دیگر سخنی از شرایط جنگی و محارب فرض نمودن تَمَرّد دستور به میان نیاورده است، لذا می‌توان حاکمیت شرایط جنگی و در نظر گرفتن وضعیت فوق‌الذکر در ماده «۳۷» را تشدید بر مجازات تَمَرّد از دستور محسوب نمود.

قانون‌گذار، برخی افراد را ملزم و مکلف ساخته تا دستور مقامات ذیصلاح را امتثال نموده و گریزی از آن نداشته باشند و بر عدول از آن عقاب در نظر گرفته است که از جمله آن‌ها به دلالت ماده «۳۷» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، فرماندهان یا رؤسای مربوط نظامی هستند نسبت به افراد واحد محل خدمت و مأموریت با رعایت سلسله‌مراتب در اعمال اختیار. پس در تعریف این جرم می‌توان اشعار داشت: «هر نظامی در راستای وظایف و اختیارات نظامی خود، دستور فرمانده یا رئیس مربوط خود را عمداً اجرا نکند یا از اجرای آن سرباز زند».

ارکان تعریف جرم لغو دستور: اول- هر نظامی: اولاً، این جرم ویژه نیروهای مسلح است. ثانیاً، شامل تمام نظامیان به دلالت ماده «۱»^{۳۰} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۱»)^{۳۱} قانون مجازات

۲۹- ماده ۳۸: هر نظامی در غیر موارد مذکور در ماده (۳۷) این قانون دستوری را لغو نماید به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

۳۰- ماده ۱: دادگاه‌های نظامی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد زیر که در این قانون به اختصار «نظامی» خوانده می‌شوند رسیدگی می‌کنند: الف- کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته. ب- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته. ج- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. د- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته. ه- کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. و- کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن. ز- محصلان -موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح- مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. ح-

جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱)، در هر رتبه و مقامی به هر نسبت می‌شود، زیرا در سلسله‌مراتب فرماندهی با صدور فرمان، امتثال آن از وظایف کلیه افراد تحت امر است و بر تک تک آن‌ها وارد است. دوم- راستای وظایف و اختیارات: دستور لازم‌الاجرا در ارتباط با کار و مأموریت معنی پیدا می‌کند نه هر زمان و مکانی و نه در هر موضوعی، بلکه باید موضوع دستور در ارتباط با مأموریت‌های محوله به یگان و منطبق بر اختیارات قانونی در اداره واحد تحت فرماندهی باشد. سوم- دستور فرمانده یا رئیس: اولاً، دستور باید صادر شده و ابلاغ گردیده باشد، همان‌طور که در ماده «۳»^{۳۲} آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ نیز بیان شده است و صرف آگاهی مادون یا اعلام بدون ابلاغ کافی نمی‌باشد. ثانیاً، باید از سوی فرمانده یا رئیس صورت گرفته باشد که مقام عالی تلقی می‌گردد. مربوط: به معنی رعایت همان سلسله‌مراتب فرماندهی است، نه افراد خارج از آن. چهارم- لغو نماید: باید اجرای اوامر به منصفه ظهور نرسد، در اثر مخالفت یا نواهی ترک نشوند و گرنه صرف اظهار مخالفت یا سرپیچی به‌طور نظری از حوزه تعریف خارج است و لغو دستور، جرمی است مادی که به فعل یا ترک فعل کار دارد نه حالت. پنجم- فرمانده یا رئیس: به دلالت ماده‌های «۳»، «۴»^{۳۳} و «۶»^{۳۴} آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، فرد دارای اختیار را گویند (فرامرزی، ۱۳۸۵، ۶۰).

کسانی که به‌طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

۳۱- دادگاه‌های نظامی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اشخاص زیر که در این قانون به اختصار نظامی خوانده می‌شوند رسیدگی می‌کند. ۱- کلیه پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته. ۲- کلیه پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان‌های وابسته و اعضاء بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ۳- کلیه پرسنل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته. ۴- کلیه پرسنل وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن. ۵- کلیه پرسنل مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷. ۶- محصلان مراکز آموزشی نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور. ۷- کلیه کسانی که به‌طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند اعم از ایرانی و غیرایرانی در مدت مزبور.

۳۲- ماده ۳: کلیه تدابیر، ابلاغیه‌ها، خط مشی و روش جاری و دستوراتی که در رابطه با اداره امور یگان و سازمان در انجام مأموریت‌های محوله از طرف سلسله‌مراتب فرماندهی در نیروهای مسلح صادر می‌گردد.

۳۳- ماده ۴: فرماندهی: فرماندهی اختیاری است که یک فرد در خدمت به سبب شغل یا درجه و مسئولیتی که دارد در راستای انجام مأموریت‌های محوله به کار می‌برد، فرمانده مسئول اداره پرسنل واحد خود بوده و تنها مقامی است که در قبال اعمالی که واحد او انجام یا از انجام آن بازمانده است، مسئولیت دارد.

۳۴- ماده ۶: انضباط در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران: التزام عملی به ولایت فقیه، آداب و سنن و احکام اسلامی و تبعیت از فرامین مقام معظم فرماندهی کل قوا، قوانین و مقررات و دستورات سلسله‌مراتب فرماندهان و روسا و مدیران.

نکات مهمی را در تعریف فوق می‌توان مشاهده نمود که می‌تواند در ارتباط با ماهیت حقوقی دستور باشد. در بخش اول قانون‌گذار به موضوع «ابلاغ کلیه تدابیر» اشاره داشته است یعنی این که دستور به لحاظ سازه و ساختار باید تکمیل باشد، بنابراین اگر دستوری ناقص و فاقد چهارچوب اصلی باشد، عدم انجام آن نمی‌تواند ترمّد محسوب گردد. با این وصف به نظر می‌رسد که عدم پیروی از دستور مافوق در نیروهای مسلح به لحاظ ماهیت جرم، آنی و مطلق باشد. ضمن آن که همان‌طور که کلمه «دستور» کلمه‌ای ساده محسوب می‌شود و مرکب نیست، از لحاظ جرم نیز از جرائم ساده^{۳۵} محسوب می‌گردد.

نکته بسیار حائز اهمیت این که، عدم پیروی از دستور مافوق فاقد هر گونه عنصری همچون سوءنیت خاص یا نتیجه مجرمانه است زیرا نتیجه‌ای که از ترمّد فرد نظامی از دستور مافوق حاصل می‌گردد، می‌تواند در میزان مجازات او نیز مؤثر واقع گردد، زیرا اصولاً در وقایع نظامی، عدم انجام دستور و یا بی‌توجهی به آن می‌تواند در پاره‌ای از مواقع خسارات جبران‌ناپذیری را ایجاد نماید. به‌عنوان مثال، در صورتی که خلبان جنگنده نظامی، به دستورات برج مراقبت اعتنائی ننماید^{۳۶} و در کاهش ارتفاع یا افزایش ارتفاع به میل و رغبت خویش عمل نماید، نتیجه ترمّد فوق می‌تواند از خسارت به هواپیما، یا به خطر انداختن جان مردم بر روی زمین و حتی سقوط جنگنده را نیز شامل گردد که هر یک از مصادیق فوق می‌تواند در تعیین مجازات خلبان مؤثر واقع گردد؛ بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که عدم پیروی از دستور مافوق را نمی‌توان بر مبنای خطا و یا بی‌مبالاتی استوار نمود و این جرم از جمله جرائم عمدی بوده و مطمئناً سوءنیت در آن نافذ است.

بر همین اساس، با توجه به سیاست افتراقی در نیروهای مسلح که تلاش دارد، روشی همسو با عمل مجرمانه و نتیجه حاصله در مجازات وضع نماید به نظر می‌رسد که لغو دستور در نیروهای مسلح را بتوان بر دو مبنا استوار نمود، اول لغو دستور ساده و سپس لغو دستور مقید. اصولاً تمامی دستورات صادره از سوی مقام مافوق در زمان جنگ یا زمان صلح ختم نمی‌گردد و همچنین نمی‌توان به این موضوع استناد نمود که هر لغو دستوری، می‌تواند اشد مجازات را به همراه داشته باشد که این تفکر برخلاف نظم عمومی خواهد بود. لذا ماهیت قوانین مجازات‌دهنده نیز بر همین اصل استوار است که مجازات متناسب

۳۵- هنگامی که عنصر مادی جرم از یک فعل واحد تشکیل شده باشد جرم ساده بوده و اگر از افعال مادی متعدد به وجود آمده باشد، بر حسب اینکه افعال متنوع یا مشابه باشند، جرم مرکب ایجاد می‌گردد (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۲۱۴).

۳۶- در وضعیت فوق برج مراقبت به جهت احاطه به تمام امور، می‌تواند به‌عنوان مافوق محسوب گردد.

با فعل مجرمانه برقرار گردد و روح عدالت‌جویی نیز بر محور همین اصل پایه‌گذاری گردیده است؛ بنابراین در لغو دستور ساده اعم از آن که در زمان صلح باشد یا جنگ، یا در وضعیتی که شرایط خاصی بر نیروهای مسلح حاکم می‌باشد، مجازات‌های حبس از حداقل دو ماه تا حداکثر یک سال در نظر گرفته شده است که می‌تواند با احراز شرایطی از قبیل سابقه مرتکب، نوع جرم و نتایج لغو دستور در محکمه برای صدور حکم مورد توجه قرار گیرد.

در تعیین مجازات برای لغو دستور مقید، نگاه قانون‌گذار، به سوی نتایج حاصله، خسارات و زیان‌های ناشی از عدم اجرای دستور می‌باشد، این موضوع را می‌توان به سهولت در ماده «۳۷» قانون مزبور در بند «الف» و بند «ب» مشاهده نمود. هرچند قانون‌گذار تلاش داشته تا حتی‌المقدور از انتساب اتهام محارب و مفسد فی الارض به ترمردکننده دستور پرهیز نموده و صرفاً در شرایط بحرانی از این اتهامات استفاده نماید. با این وصف، ترمرد از دستور فرماندهان در زمان جنگ در عدم حرکت به سمت و سوی دشمن را با مجازاتی غیر از مجازات‌های محارب و مفسد فی الارض در نظر داشته و آن را حبس در بازه زمانی سه سال الی پانزده سال در نظر گرفته است. با این وصف قانون‌گذار در مجازات لغو دستور مقید صرفاً به نتایج آن که همان همکاری با دشمن یا ایجاد بی‌نظمی در یگان^{۳۷} یا خدشه در امنیت ملی باشد، اتهام مفسد فی الارض و محارب را به‌عنوان مجازات در نظر گرفته است.

از دیگر جهات استفاده از مجازات محارب و مفسد فی الارض که در بند «ب» ماده «۳۷» قانون مذکور مورد توجه قرار گرفته است، این که ترمرد و سرپیچی از دستور، موجب شکست جبهه اسلام یا بر هم خوردن امنیت کشور شود. این بند می‌تواند جای توضیح داشته باشد که با یک مثال به آن خواهیم پرداخت. در صورتی که فرمانده یکی از یگان‌ها، در خط مقدم جنگ، از دستورات فرماندهان مافوق مبنی بر مقاومت و استفاده از تمامی امکانات در مقابله با دشمن، ترمرد نموده و از تمام ظرفیت موجود (اعم از نیروی انسانی و تجهیزات) در پایداری در مقابل حمله دشمن، مقاومت ننماید، تا این مرحله از ترمرد، او را نمی‌توان به اتهام محارب و مفسد فی الارض مجازات نمود، زیرا انتساب اتهام محارب به فرمانده مذکور از زمانی آغاز خواهد شد که یگان او متحمل شکست شده و این شکست در نتیجه امتناع از دستور باشد. پس اگر فرمانده یگان مذکور در مقابل دشمن از تمام ظرفیت‌های یگان استفاده ننماید، اما دشمن با استفاده از بمب‌های آتش‌زا و میکروبی، یگان را با شکست مواجه نماید، ترمرد یا عدم ترمرد دستور در

چنین مواقعی نتیجه‌ای در شکست یگان مذکور نخواهد داشت. لذا در تفسیر قانون به نفع متهم نمی‌توان اتهام محارب یا مفسد فی الارض را بر فرمانده مذکور منتسب نمود، زیرا در صورت وجود یگانی دیگر با فرماندهی مطیع، همان نتایجی حاصل می‌گردید که با فرمانده متمرّد حاصل گردیده است.

در برخی از مواقع مشاهده تلفات اعم از جانی و تجهیزاتی در یگان‌های نیروهای مسلح در حین عملیات^{۳۸} می‌تواند بر اثر برخی عوامل دیگر، جدای از تمرّد و سرپیچی از دستور مافوق باشد، به عبارت دیگر عدم توجه به برخی نظامات دولتی و همچنین بی‌مبالاتی یا خطای فرماندهان یا سایر نیروها بر حسب میزان وظیفه‌ای که بر عهده دارند، خساراتی بر یگان‌های نیروهای مسلح وارد می‌آید که در چنین شرایطی قانون‌گذار نوع جرم و مجازات آن را متفاوت با سایر مجازات‌ها در نظر گرفته است (بهرامی، ۱۳۸۲، ۸۶). به‌عنوان مثال، فرمانده‌ای که در حین آموزش طرز استفاده از یک اسلحه انفرادی به تعدادی از پرسنل خویش است، در صورتی که بر اثر خطا یا بی‌مبالاتی وی، اسلحه در زمانی که نباید شلیک نماید، به هر دلیل شلیک شده و برخی از نیروهای تحت امر آموزش دچار صدمات یا تلفات جانی شوند، ایجاد چنین وضعیتی را می‌توان با اتهاماتی از قبیل بی‌مبالاتی یا خطا مورد محاکمه قرار داد که البته هیچ‌گاه نتایج چنین جرائمی، به مجازات محارب و مفسد فی الارض ختم نخواهد شد. قانون‌گذار در ماده «۵۴»^{۳۹} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به صراحت به این موضوع اشاره نموده است. این موضوع بیانگر آن است که قانون‌گذار در ماده «۵۴»، مجازات حبس را صرفاً برای نوع جرم که بر مبنای خطا یا بی‌مبالاتی است وضع نموده و خسارات وارده اعم از تلفات جانی و صدمات بدنی، دارای مجازات جداگانه‌ای است که به مجازات مذکور افزوده خواهد شد.

۲-۴- گزارش خلاف واقع

این جرم از جمله جرائمی است که در ماده «۷۸»^{۴۰} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

۳۸- اعم از نیروهای نظامی و انتظامی.

۳۹- ماده ۵۴: هرگاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی توسط فرماندهان و مسئولان رده‌های مختلف نیروهای مسلح موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی گردد چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و یا سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتر نباشد مرتکب به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود.

۴۰- ماده ۷۸: هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی برخلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسئول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوءنیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به‌طور ناقص ارائه دهد و یا عمداً جرائم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذیصلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارش‌ها و جرائم را به موقع اعلام نکند به ترتیب زیر محکوم

ماده «۵۷»^{۴۱} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) و (ماده «۷۱۱»^{۴۲} کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ اصلاحی ۱۴۰۱) مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. اصولاً از آن جایی که سلسله‌مراتب فرماندهی در نیروهای مسلح، به شدت مورد تأکید قرار دارد، لذا تمامی موضوعات و اخبار، از طریق سلسله‌مراتب به اطلاع فرماندهان خواهد رسید مگر آن که در شرایطی خاص، به دستور مقامات بالاتر، در مورد موضوع خاصی به جهت جلوگیری از اتلاف وقت، گزارش از روش غیرمرسوم به اطلاع فرماندهان بالاتر ارسال گردد. لذا در رابطه با میزان اهمیت ارسال گزارش وقایع، یادآوری این نکته ضروری است که اتخاذ تصمیمات فرماندهان و صدور دستور بر مبنای گزارشات ارسالی انجام خواهد پذیرفت؛ بنابراین دقت در تنظیم گزارش و شرح واقعی ماجرا، می‌تواند در تصمیم‌گیری صحیح و استفاده مناسب از ابزار و تجهیزات مناسب باشد. نحوه ارسال گزارش به صورت کتبی یا به صورت بی‌سیم یا فکس یا هر وسیله ارتباطی دیگر، چندان مورد توجه قانون‌گذار نبوده بلکه صرفاً ماهیت گزارش و میزان تطبیق آن با واقعیت مدنظر قانون‌گذار است.

با مطالعه ماده «۷۸» قانون‌گذار به موضوع گزارش خلاف واقع اشاره نموده است بدون این که به این امر اشاره‌ای نماید که گزارش خلاف واقع، چه آثاری را به دنبال داشته؟ و چه زیان‌هایی می‌تواند به یگان خدمتی یا اشخاص وارد نماید؟، به عبارت دیگر نفس ارائه گزارش خلاف واقع خود جرم محسوب گردیده و محکومیت‌های مندرج در ماده فوق را به دنبال خواهد داشت. نکته قابل توجه این که اصولاً قانون‌گذار در ماده «۷۸» مصادیق گزارش خلاف واقع را به شرح زیر بیان نموده است: گزارش خلاف

می‌شود: الف- چنانچه اعمال فوق موجب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی گردد به مجازات محارب. ب- در صورتی که موضوع به امور جنگی یا مسائل امنیت داخلی یا خارجی مرتبط باشد به حبس از دو تا پنج سال. ج- در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

۴۱- ماده ۵۷: هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی برخلاف حقیقت به فرماندهان یا دیگر مقامات مسئول تقدیم نماید یا حقایق را کتمان کند یا گزارشی با تغییر ماهیت یا به‌طور ناقص ارائه دهد به ترتیب زیر محکوم می‌شود. ۱- اگر گزارش خلاف یا کتمان حقیقت موجب شکست جبهه یا تلفات جانی گردد در حکم محارب است. ۲- اگر موضوع گزارش مربوط به امور جنگی یا مسائل امنیت داخلی یا خارجی باشد به حبس از سه الی هشت سال. ۳- در سایر موارد به حبس از سه ماه الی یک سال.

۴۲- ماده ۷۱۱: هر یک از ارائه دهندگان خدمات ارتباطی یا خدمات پرداخت یا عملیات بانکداری الکترونیکی از قبیل بانک‌ها و کارور (اپراتور) های مخابراتی که از وقوع جرائم موضوع مواد (۷۰۴) تا (۷۰۹) این قانون در بستر خدمات ارائه شده از سوی خود مطلع شود، مکلف است مراتب را فوراً به مراجع قضائی اطلاع دهد، در غیر این صورت به جزای نقدی درجه چهار یا چهار برابر مجموع تراکنش‌های انجام شده در جرم مذکور، هر کدام که بیشتر باشد محکوم می‌شود.

واقع، کتمان حقیقت، تغییر ماهیت گزارش با سوءنیت، ارائه ناقص گزارش، عدم گزارش جرائم ارتكابی کارکنان تحت امر یا جلوگیری از ارائه گزارش در این خصوص و یا عدم اعلام گزارش در زمان مشخص، می‌تواند در حوزه شمول مجازات‌های ذیل قرار گیرد. الف- گزارش خلاف واقعی که موجب شکست جبهه اسلام شود به‌عنوان محارب شناخته خواهد شد. ب- در صورتی که گزارش خلاف واقع، در حوزه‌هایی همچون امور جنگی یا امنیت داخلی یا خارجی باشد می‌تواند منجر به اعمال مجازات حبس از دو سال تا پنج سال گردد. ج- در مواردی که صرفاً از آن به‌عنوان تخلف انضباطی نام برده می‌شود، به میزان نوع تخلف از سه ماه تا یک سال حبس در نظر گرفته خواهد شد. البته قانون‌گذار خسارت‌های مالی ناشی از گزارش خلاف واقع را در ادامه ماده مذکور مورد اشاره قرار داده است که جدای از مجازات اصلی اعمال می‌گردد.

از آن جایی که گزارش خلاف واقع می‌تواند بر حسب بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری پرسنل صورت پذیرفته و هیچ‌گونه سوءنیت عمدی بر آن مترتب نباشد، فقط در صورتی که گزارش مذکور، موجب جنایت بر نفس یا اعضاء نگردد، به‌عنوان تخلف انضباطی به حساب می‌آید و در صورتی که نتایج گزارش خلاف واقع موجب جنایت بر نفس یا اعضاء شود علاوه بر بحث پرداخت دیه، مرتکب به نصف حداقل، تا نصف حداکثر مجازات‌های مورد نظر محکوم خواهد شد و نصف محسوب نمودن مجازات صرفاً به جهت بحث بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری مدنظر قانون‌گذار قرار گرفته است.

۱-۲-۴- گزارش خلاف واقع بر مبنای عمدی بودن

بحث عمد در گزارش خلاف واقع صرفاً به این معنا نخواهد بود که فرد گزارش‌کننده به جهت عناد و یا خرابکاری و امثالهم قصد آن را داشته تا با انجام گزارش خلاف واقع، خسارتی به یگان و یا وجهه نیروهای مسلح وارد آورد، بلکه به نظر می‌رسد عدم صحیح وظایف محوله به یگان‌ها و تأیید دور از واقعیت از سوی یگان مبتنی بر انجام وظایف به‌صورت دقیق و صحیح می‌تواند از جمله مصادیق گزارش خلاف واقع تعدمی محسوب گردد، زیرا مأموریت‌های محوله به یگان‌ها، زمانی به اتمام خواهند رسید که یا از سوی فرماندهان مافوق اتمام عملیات و مأموریت اعلام گردد^{۴۳} و یا این که مأموریت با اعلام یگان مأمورشونده، اتمام آن طی گزارشی اعلام شود.

۴۳- حتی اگر مأموریت کامل انجام نشده باشد.

در بخش اول، هرچند مأموریت به اتمام نرسیده، ولی گزارش ارائه شده نیز بیانگر عدم اتمام عملیات است و در وضعیت دوم، هرچند مأموریت به اتمام نرسیده و گزارش خلاف واقع بیانگر اتمام عملیات است، در صورتی که یگان مورد نظر، مطلع از عدم اتمام عملیات است لذا ارائه گزارش مبتنی بر اتمام عملیات دقیقاً بیانگر عمدی بودن این نوع از گزارشات است. مصداق بارز آن را می‌توان در پاسخ‌های دریافتی از سازمان قضایی نیروهای مسلح استنباط نمود که مفهوم کلی آن بر این اصل استوار گردیده که در صورت ارجاع مأموریت به یگان پاکسازی مین، یگان مذکور پس از اتمام کار، طی گزارشی اعلام اتمام عملیات مین‌روبی را اعلام نماید و پس از گزارش، فردی غیرنظامی یا نظامی در محل مورد نظر به وسیله مین مصدوم گردد، از دیدگاه سازمان قضایی نیروهای مسلح، به جهت عدم اتمام مأموریت پاکسازی و گزارش مبتنی بر اتمام مأموریت، نوعی گزارش خلاف واقع به حساب می‌آید (معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱، ۱۱).

هرچند که به نظر می‌رسد در مثال فوق، عمل یگان پاکسازی مین، از روی قصد و عمد نبوده است، اما در این بین با دو موضوع متفاوت مواجه می‌باشیم. موضوع اول آن است که اصولاً در چنین مواقعی برای گزارش‌دهنده و یا تأییدکننده گزارش برای ارسال که فرمانده یگان پاکسازی مین می‌باشد، می‌توان با توجه به تفسیر مضیق که باید به نفع متهم باشد گزارش را صرفاً خلاف واقع دانست و از لفظ عمد از آن استفاده نمود. اما نکته حائز اهمیت این که در چنین مثالی به نظر می‌رسد، بسیار سخت خواهد بود که عمدی بودن گزارش خلاف واقع را رد نمود، زیرا مساحت منطقه مین‌گذاری شده کاملاً مشخص بوده، زمان جست‌وجو برای پاکسازی در اختیار یگان‌های عملیاتی مورد نظر بوده و تجهیزات نیز متناسب با مأموریت بوده است، لذا عدم کنترل نیروهای اقدام‌کننده و عدم رعایت دستورالعمل‌ها، جدای از گزارش خلاف واقع می‌تواند در چنین عملیاتی مورد توجه محاکم قرار گرفته و از آن جایی که بی‌مبالاتی و خطا در چنین عملیاتی، مستقیماً با جان اشخاص نظامی و غیرنظامی سروکار دارد، بدیهی است که سهل‌انگاری و انجام عملیات پاکسازی به صورت غیرجدی، از جمله مباحثی است که مورد توجه محاکم قرار خواهد گرفت. لذا تمامی عناصر لازم برای این که گزارش خلاف واقع به صورت عمدی مورد توجه قرار گیرد را نیز شامل می‌گردد، و گرنه حتی اگر یگان مورد نظر در انجام عملیات پاکسازی، به صورت عمدی دقت لازم را مبذول ننماید، می‌توان به دست آویز قرار دادن مصادیقی همچون بی‌مبالاتی و خطا از انتساب اتهام عمدی بودن رهایی یافت، بنابراین هیچ‌گاه نمی‌توان گزارش خلاف واقع عمد را اثبات نمود.

۲-۲-۴- کتمان حقیقت در گزارش خلاف واقع

در هر گزارش برخی از عناصر باید حتماً رعایت گردند تا بتوان آن گزارش را کامل محسوب نمود. این عناصر عبارتند از «که»، «کی»، «کجا»، «چه»، «چرا» و «چگونه». می‌توان با تکمیل شدن ساختار، یک گزارش واقعی را به درستی بیان نمود، لذا هرگونه عملی که موجب نقص یا حذف هر یک از عناصر فوق گردد می‌تواند منجر به کتمان حقیقت و ناقص بودن گزارش به حساب آید؛ بنابراین هرگونه اقدامی در این راستا می‌تواند به جرم کتمان حقیقت گزارش منجر گردد. از سوی دیگر عدم اعلام کلی یک گزارش نیز می‌تواند از مصادیق کتمان محسوب گردد که این موضوع نیز می‌تواند از نگاه قانون‌گذار مرتکب را تحت پیگرد قانونی قرار دهد (رضوی، ۱۳۸۶، ۳۶۷).

۳-۲-۴- ارائه گزارش ناقص

از جمله مصادیقی که در ماده «۷۸» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در خصوص گزارش خلاف واقع می‌توان مشاهده نمود، بحث ناقص بودن گزارش تقدیمی به مافوق از لحاظ ایجاد برخی تغییرات و حذف واقعیات یا عدم اعلام کامل شرح ماقوع است. این امر می‌تواند در یگان‌های مختلف به انحای گوناگون به وقوع بپیوندد، لذا قانون‌گذار در ماده مذکور وقوع چنین حالتی را از جمله مصادیق مجرمانه در حوزه گزارش خلاف واقع دانسته است.

۴-۲-۴- ایجاد تغییر ماهیت در گزارش

قانون‌گذار در ماده «۷۸» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به تغییر ماهیت در گزارش اشاره مستقیم داشته است. این موضوع را می‌توان با یک مثال مشخص نمود، فرض بر آن است که بر اثر خبط خلبان، هواپیما در موقع فرود مورد آسیب واقع شده و دچار خسارت گردیده است، در چنین وضعیتی کارشناس هوایی باید طی گزارشی، خبط خلبان را به‌عنوان عامل ایجاد خسارت اعلام نماید، اما کارشناس مربوطه نقص فنی ناشی از خرابی قطعه را به‌عنوان علل اصلی حادثه بیان می‌نماید، در چنین مواقعی، ماهیت گزارش تغییر یافته و فرماندهان مسئول را از خبط خلبان آگاه نمی‌سازد. در صورت مشخص شدن خبط خلبان، وی دارای مسئولیت در این خصوص است. لذا تغییر ماهیت گزارش می‌تواند به لحاظ قضایی، مجازات‌هایی را در پی داشته باشد که قانون‌گذار نیز در ماده ۷۸ به آن اشاره داشته است.

۲-۵- فرار از خدمت

وقوع جرائم مختلفی نیروهای مسلح را تهدید می‌کند. یکی از این تهدیدها که برای سازمان‌های نظامی اهمیت زیادی دارد و ممکن است برای سازمان‌های غیرنظامی آنقدر مهم نباشد، پدیده فرار از خدمت است (میرزمانی و همکاران، ۱۳۸۱، ۲۲). به نظر می‌رسد یکی از جرائمی که به عنوان رفتار مجرمانه شناخته شده، جرم فرار از خدمت باشد. این امر نشانگر آسیب زائی این جرم در امور نظامی می‌باشد، زیرا فرار از خدمت نظامی به هیچ عنوان نمی‌تواند آسان گرفته شود، آن هم در امور نظامی که پایه و اساس آن بر نظم و انجام وظیفه استوار است (غلامی، ۱۳۹۲، ۱۱۵). جرم فرار از خدمت را باید از جمله جرائم مهم در نیروهای مسلح محسوب نمود، این که فرد نظامی موقعیت خود را بدون مجوز فرماندهان و اطلاع آن‌ها ترک نماید، می‌تواند بازخوردهای متفاوتی را به همراه داشته باشد.

برخی از جرائم، در میان پرسنل نظامی، از جهات مشترک برخوردار هستند. از جمله این جرائم می‌توان به ترک خدمت، اشاره نمود که به آن فرار از خدمت نیز گفته می‌شود. قانون‌گذار در ماده «۵۶»^{۴۴} و ماده «۵۷»^{۴۵} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و (ماده «۳۸»^{۴۶} و ماده «۳۹»^{۴۷} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) به ابعاد مختلف فرار از خدمت پرداخته است.

در ماده «۵۶» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، شمول اجرای قانون مذکور را در

۴۴- ماده ۵۶: اعضای ثابت نیروهای مسلح هرگاه در زمان صلح بیش از پانزده روز متوالی مرتکب غیبت شده و عذروجهی نداشته باشند فراری محسوب و حسب مورد به مجازات‌های ذیل محکوم می‌شوند: الف- چنانچه شخصاً خود را معرفی نمایند به حبس از دو تا شش ماه یا محرومیت از ترفیع از سه تا شش ماه. ب- هرگاه دستگیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال یا محرومیت از ترفیع از شش ماه تا دو سال.

۴۵- ماده ۵۷: اعضای ثابت نیروهای مسلح که در زمان صلح در مأموریت یا مرخصی یا مشغول گذراندن دوره آموزشی در داخل یا از کشور هستند هرگاه پس از خاتمه مأموریت یا مرخصی یا دوره آموزشی یا پس از فراخوانی قبل از خاتمه آن به فاصله پانزده روز خود را جهت بازگشت به محل خدمت به قسمت‌های مربوط در داخل و یا سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری‌ها و یا نمایندگی‌های دائمی دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج معرفی نمایند و عذروجهی نداشته باشند فراری محسوب و حسب مورد مشمول یکی از مجازات‌های مذکور در ماده (۵۶) این قانون خواهند بود.

۴۶- ماده ۳۸: پرسنل ثابت نیروهای مسلح هرگاه در زمان صلح، بیش از پانزده روز غیبت متوالی داشته و عذروجهی نداشته باشند فراری محسوب و پس از دستگیری به حبس از یک تا سه سال یا تنزیل یک درجه یا رتبه یا محرومیت از ترفیع تا دو سال محکوم می‌شوند.

۴۷- ماده ۳۹: پرسنل ثابت نیروهای مسلح که در مأموریت یا مرخصی یا مشغول گذراندن دوره آموزشی در داخل یا خارج از کشور هستند هرگاه پس از خاتمه مأموریت یا مرخصی یا دوره آموزشی یا پس از احضار قبل از خاتمه آن به فاصله پانزده روز از تاریخ ابلاغ قانونی خود را به قسمت‌های مربوط در داخل و یا سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری‌ها و یا نمایندگان مجاز دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج معرفی نمایند و عذروجهی نداشته باشند فراری محسوب و مشمول ماده (۳۸) خواهند بود.

پرسنل ثابت نیروهای مسلح در نظر گرفته است، لذا در بیان انتساب اتهام فرار از خدمت برای این دسته از پرسنل، شرایطی را مشخص کرده است. این شرایط عبارت از آن است که اولاً فرار از خدمت در زمان صلح باشد و دوم پیش از این که انتساب فرار به فرد نظامی لحاظ گردد، از او به عنوان غایب نام برده و این غیبت را منوط به دو عامل دانست است. اول نداشتن عذرموجه و دوم بیش از پانزده روز غیبت را مدنظر قرار داده است. یعنی اگر یکی از پرسنل نیروهای مسلح، دارای غیبت موجه باشد مثلاً تحت بازداشت قوه قضاییه باشد یا به جهت بیماری در وضعیت بیهوشی قرار داشته باشد در حوزه شمول فرار از خدمت قرار نخواهد گرفت. همچنین اگر فرد نظامی، دارای غیبت موجه نباشد، ولی غیبت او به پانزده روز نرسد^{۴۸} باز نمی‌توان او را به اتهام فرار از خدمت مورد محاکمه قرار داد. با این وصف قانون‌گذار برای پرسنل نظامی ثابت که فاقد شرایط فوق باشند، مجازات‌هایی را در نظر گرفته است که در بند «الف» و بند «ب» ماده «۵۶» مورد اشاره واقع گردیده است.

نکته حائز اهمیت این است که فرار در زمان صلح با فرار در زمان جنگ بسیار متفاوت خواهد بود. به‌خصوص این که فرار در زمان جنگ به سمت و سوی دشمن باشد و عامل فرار، در چه وضعیتی به سوی دشمن فرار کرده باشد نیز حائز اهمیت است، مطمئناً افسر یا درجه داری که به سوی دشمن فرار نموده و خود را تسلیم می‌نماید با خلبانی که با هواپیما فرار کرده و خود را به دشمن تسلیم می‌نماید به لحاظ مجازات، دارای وضعیت‌های مختلفی هستند (الهام، ۱۳۸۹، ۱۱۵).

با توجه به این که قانون‌گذار در ماده «۵۶» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به موضوع فرار از خدمت در زمان صلح اشاره نموده است لذا اشاره به فرار نیروهای مسلح در زمان جنگ، برابر ماده «۶۱»^{۴۹} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۴۳»^{۵۰} قانون مجازات جرائم

۴۸- حتی پانزده روز.

۴۹- ماده ۶۱: اعضای ثابت نیروهای مسلح هرگاه در زمان جنگ بیش از پنج روز متوالی غیبت نمایند و عذرموجهی نداشته باشند فراری محسوب و پس از دستگیری به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شوند و اگر فرار از جبهه باشد از زمان غیبت فراری محسوب و به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردند.

۵۰- ماده ۴۳: پرسنل ثابت نیروهای مسلح هرگاه در زمان جنگ بیش از پنج روز متوالی غیبت نموده عذرموجهی نداشته باشند فراری محسوب و به حبس از دو تا هشت سال محکوم می‌شوند و اگر فرار از جبهه باشد از زمان غیبت فراری محسوب و چنانچه فرار آنان موجب شکست جبهه یا وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی شوند در حکم محارب است و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال و یا تنزیل تا دو درجه و یا مرادف آن از رتبه و گروه محکوم می‌شوند.

نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱) می‌تواند حائز اهمیت باشد. قانون‌گذار برای این که وضعیت ترک غیبت نظامیان کاملاً مشخص گردد، برای فراری محسوب نمودن آن‌ها برخی ارکان را در ماده «۵۶» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ بیان نموده است که این ارکان به شرح زیر هستند.

اول- غیبت بیش از پانزده روز: قانون‌گذار فرار از خدمت را برای پرسنل، در بازه زمانی بیش از پانزده روز به‌عنوان فرار محسوب نموده است. مضافاً این که توجه به دو نکته ضروری می‌باشد، نکته اول این که فرد مورد نظر، مدت پانزده روز غیبت را باید به‌صورت متوالی مرتکب شده باشد. لذا اگر فرد از آغاز غیبت او به‌عنوان مثال هشت روز گذشته باشد و خود را معرفی نماید و سپس به مدت ده روز دیگر مرتکب غیبت غیرموجه گردد، در زمان صلح این عمل وی نمی‌تواند مصداق غیبت بیش از پانزده روز محسوب گردد زیرا منظور قانون‌گذار، پانزده روز متوالی است. همچنین اگر فرد چهارده روز غیبت نماید و روز پانزدهم نیز خود را معرفی نماید، این وضعیت نیز نمی‌تواند بیانگر غیبت غیرموجه او محسوب گردد، زیرا تأکید قانون‌گذار در زمان صلح مدت بیش از پانزده روز است. البته قانون‌گذار شرایط فوق را برای پرسنل نظامی کادر ثابت که در مأموریت یا مرخصی در داخل یا خارج از کشور به سر می‌برده‌اند نیز در ماده «۵۷» قانون مذکور منظور نموده است.^{۵۱}

دوم- نداشتن عذر موجه: معذورات را باید وضعیتی دانست که هر انسان دیگری در قرار گرفتن در آن وضعیت، رفتارهای مشابهی از او مشاهده خواهد شد، بنابراین اگر فردی به جهت عذر موجه نتواند در ظرف بیشتر از پانزده روز در زمان صلح خود را به یگان خدمتی معرفی نماید، غیبت او فرار محسوب نشده و از حوزه شمول مجازات آن خارج می‌گردد. ماده «۷۶»^{۵۲} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در چهار بند، مصداق عذر موجه را بیان نموده است (ماده «۵۵»^{۵۳} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). قانون‌گذار به جهت کمک به افراد در شرایط فوق، حتی به این موضوع تأکید نموده است که به استثناء شرایط در توقیف یا حبس بودن، در سایر شرایط، مدت زمان معمول در عرف

۵۱- ماده «۳۹» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱.

۵۲- ماده ۷۶: منظور از عذر موجه مندرج در این قانون مواردی است از قبیل: الف- بیماری مانع از حضور. ب- فوت همسر، پدر، مادر، برادر، خواهر و اولاد (در زمانی که عرفاً برای مراسم اولیه ضرورت دارد) و همچنین بیماری سخت یکی از آنان (در صورتی که مراقب دیگری نباشد و به مراقبت وی نیاز باشد). ج- ابتلاء به حوادث بزرگ مانند حریق، سیل و زلزله. د- در توقیف یا حبس بودن.

۵۳- ماده ۵۵: منظور از عذر موجه مندرج در این قانون اموری است از قبیل. ۱- بیماری مانع از حضور. ۲- فوت همسر، پدر، مادر، برادر، خواهر و اولاد یا بیماری سخت یکی از آنان. ۳- ابتلاء به حوادث بزرگ مانند حریق، سیل و زلزله. ۴- در توقیف یا حبس بودن.

پس از وقوع حادثه را به عنوان ملاکی برای معرفی فرد به یگان مربوطه در نظر گرفته است که این امر می تواند، مساعدتی به پرسنلی که درگیر با مصادیق «الف» تا «ج» بوده اند، محسوب گردد.

البته قانون گذار در تعیین حداقل زمان غیبت در زمان صلح و زمان جنگ، وضعیت جامعه را نیز در نظر داشته است. به عبارت دیگر در ماده «۵۸»^{۵۴} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۴۲»^{۵۵} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) قانون گذار مدت زمان غیبت غیرموجه را در زمان جنگ یک ماه از آغاز جنگ یا فراخوان عمومی یا آماده باش یگانها در نظر گرفته است. شاید سلطه شرایط جنگی بر جامعه و کمبود امکانات یا سخت بودن شرایط در جهت بازگشت از جمله عواملی باشند که قانون گذار فاصله زمانی را در زمان جنگ یک ماه در نظر گرفته است. به همین دلیل در انتهای ماده، قانون گذار مجدداً تأکید بر این امر داشته که در صورت غیبت و دستگیری در مدت زمان مذکور یا بعد از آن به عنوان فرار در زمان جنگ مورد محاکمه قرار خواهد گرفت. پیرامون فرار در زمان جنگ، از سوی پرسنل ثابت، قانون گذار در ماده «۶۱» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به صراحت اعلام نموده که فرار در زمان جنگ بیش از پنج روز متوالی غیبت محسوب شده و در صورتی که فاقد عذر موجه باشند از زمان غیبت فراری به حساب می آیند.

نکته قابل اشاره، تفاوت بین غیبت و فرار از خدمت است و قانون گذار پرسنلی را که در ابتدا مشمول غیبت می گردند تا پنج روز را برای آنان در صورت وجود عذر موجه، فراری محسوب نمی نماید اما بعد از پنج روز، از دیدگاه قانون گذار دیگر غیبت محسوب نشده و اگر عذر موجهی هم در بین نباشد، به عنوان فراری در زمان جنگ مورد محاکمه قرار خواهد گرفت. البته قانون گذار در ماده «۶۲»^{۵۶} قانون مجازات

۵۴- ماده ۵۸: اعضای ثابت نیروهای مسلح که فراری بوده هرگاه در زمان جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا هنگامی که یگان مربوط در آماده باش رزمی است چنانچه ظرف مدت یک ماه از تاریخ شروع جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا اعلام آماده باش رزمی، خود را معرفی کنند از تعقیب و کیفر معاف خواهند بود. در صورتی که معرفی پس از مدت مذکور باشد یا در این مدت و یا پس از آن دستگیر شوند حکم فرار در زمان جنگ را خواهد داشت.

۵۵- ماده ۴۲: نظامیان وظیفه دوره ذخیره و احتیاط که در زمان صلح برای تجدید یا تکمیل دوره آموزشی یا بسیج همگانی یا خدمت احتیاط و ذخیره فراخوانده شوند و به فاصله پانزده روز از تاریخ احضار بدون عذر موجهی خود را معرفی نمایند فراری محسوب و حسب مورد به مجازات های مقرر در این بخش محکوم خواهند شد.

۵۶- ماده ۶۲: فراریان مذکور در ماده (۶۱) این قانون، چنانچه شخصاً خود را معرفی و مشغول خدمت شوند در صورتی که فرار آنان از خدمت در زمان جنگ باشد به حبس از یک تا سه سال و اگر فرار از جبهه باشد به دو تا پنج سال حبس محکوم می شوند.

جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۴۱»)^{۵۷} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱) به جهت حمایت از این دسته از افراد، کیفیت مخففه‌ای را نیز در زمان جنگ در نظر گرفته است به نحوی که اگر افراد خود را در زمان جنگ، شخصاً معرفی نمایند، به حبس از یک سال تا سه سال محکوم می‌گردند. در صورتی که از نظر قانون‌گذار اگر فرد فراری برابر ماده «۶۱» فاقد عذر موجه بوده و دستگیر شود به زندان از یک سال تا پنج سال محکوم خواهد شد. ضمن آن که اگر فرار پرسنل مذکور از طریق جبهه صورت گرفته باشد به حبس از سه سال تا پانزده سال محکوم خواهد شد؛ بنابراین قانون‌گذار با توجه به شرایط مختلف، راهکاری برای بازگشت مجدد پرسنل فراری در نظر گرفته که در صورت بازگشت داوطلبانه از کیفیت مخففه مجازات برخوردار گردند.

قانون‌گذار در ماده «۵۹»^{۵۸} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۴۰»)^{۵۹} و ماده «۴۹»^{۶۰} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱) به موضوع فرار پرسنل وظیفه به صورت مستقیم اشاره داشته و فرار آن‌ها را در زمان صلح به همان میزان پانزده روز بدون عذر موجه در نظر داشته است. ولی در راستای حمایت از پرسنل وظیفه، در صورتی که پرسنل وظیفه فراری پیش از دستگیری، خود را معرفی نمایند، تخفیفاتی را جهت مجازات آن‌ها در نظر گرفته است.

نکته حائز اهمیت این که، قانون‌گذار در معرفی داوطلبانه پرسنل وظیفه، آن‌ها را ملزم به معرفی در یگان خدمتی خود ننموده است و مهم این است که وظیفه فراری خود را به یکی از یگان‌های نیروهای مسلح معرفی نماید. به عنوان مثال، سرباز وظیفه‌ای که اهل بجنورد بوده و یگان محل خدمت وی، لشکر

۵۷- ماده ۴۱- فراریان مشمول مواد فوق در صورتی که شخصاً خود را معرفی نمایند به ترتیب زیر با آنان رفتار خواهد شد. ۱- هرگاه در زمان صلح باشد حسب مورد از دو ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شوند. ۲- هرگاه در زمان جنگ یا بسیج یا هنگامی که یگان مربوط در آماده‌باش رزمی است، باشد و حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ شروع جنگ یا بسیج یا اعلام آماده‌باش خود را معرفی نمایند از تعقیب و کیفر معاف خواهند بود.

۵۸- ماده ۵۹: کارکنان وظیفه نیروهای مسلح هرگاه در زمان صلح بیش از پانزده روز متوالی مرتکب غیبت شده و عذر موجهی نداشته باشند فراری محسوب و چنانچه دستگیر شده باشند به حبس از سه ماه تا یک سال یا سه ماه تا یک سال اضافه خدمت محکوم می‌گردند. ۵۹- ماده ۴۰: اعضاء غیر ثابت نیروهای مسلح اعم از وظیفه، پیمانی و غیره که در زمان صلح مدت غیبت آنان از پانزده روز متوالی تجاوز نماید و عذر موجهی نداشته باشند فراری محسوب و پس از دستگیری به حبس از شش ماه تا دو سال و یا اضافه خدمت تا یک سال محکوم می‌شوند.

۶۰- ماده ۴۹: افراد وظیفه دوره ذخیره و احتیاط که در زمان جنگ احضار شده و به فاصله پنج روز از تاریخ احضار بدون عذر موجهی خود را معرفی نمایند فراری محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهند شد.

زرهی قزوین می‌باشد، در صورت اقدام به فرار، در صورتی که خود را به یکی از یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تهران معرفی نماید، به منزله معرفی داوطلبانه محسوب می‌گردد، کما این که در غیر این صورت اگر در بین مسیر از طریق نیروهای دژبانی شناسایی و دستگیر شود، در وضعیت محاکمه و مجازات او تأثیرگذار خواهد بود.

با این وصف در صورت فرار از محل خدمت، با شرایط ذکر شده و معرفی داوطلبانه خود، قانون‌گذار مجازات‌های ذیل را برابر ماده «۶۰»^{۶۱} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۴۸»)^{۶۲} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای آن در نظر گرفته است. در صورتی که سرباز وظیفه فراری، برای بار اول مرتکب فرار از خدمت شده و مدت فرار وی مجموعاً شصت روز گردد، در چنین مواقعی، با توجه به این که نامبرده شخصاً مراجعه نموده و دستگیر نگردیده است، به لحاظ قانونی، مجازات او در اختیار یگان خدمتی بوده و نیازی به معرفی به دادسرای نظامی نمی‌باشد و مجازات وی تبدیل به اضافه خدمت در دوره ضرورت می‌شود که البته مجموع اضافه خدمت بیش از سه ماه نخواهد بود. این موضوع در زمان جنگ و زمانی که بسیج و فراخوان عمومی از سوی یگان‌های مربوطه صادر شده و به عبارتی یگان در حالت آماده باش رزمی می‌باشد، نیز همان مدت شصت روز بوده و در صورتی که سرباز وظیفه مذکور خود را معرفی نماید از تعقیب و کیفر معاف خواهد شد، ولی در صورتی که بعد از مدت مذکور یا پس از آن دستگیر گردد، به‌عنوان فرار از خدمت در زمان جنگ با وی برخورد خواهد شد.

۶۱- ماده ۶۰: کارکنان وظیفه فراری در زمان صلح هرگاه شخصاً خود را معرفی و مشغول خدمت شوند به ترتیب زیر با آنان رفتار می‌شود: الف- چنانچه برای اولین بار مرتکب فرار از خدمت شده و ظرف مدت شصت روز از شروع غیبت مراجعت نمایند بدون ارجاع پرونده به مرجع قضایی در مقابل هر روز غیبت و فرار، دو روز به خدمت دوره ضرورت آنان افزوده می‌شود. این اضافه خدمت بیش از سه ماه نخواهد بود. ب- چنانچه پس از مدت یاد شده در بند (الف) این ماده خود را معرفی کنند و یا سابقه فرار از خدمت داشته باشند به حکم دادگاه به حبس از دو تا شش ماه محکوم می‌گردند. ج- چنانچه در زمان جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا هنگامی که یگان مربوط در آماده باش رزمی باشد و ظرف حداکثر دو ماه از تاریخ شروع جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا اعلام آماده باش رزمی خود را معرفی کنند از تعقیب و کیفر معاف خواهند بود. در صورتی که معرفی پس از مدت مذکور باشد یا در این مدت و یا پس از آن دستگیر شوند حکم فراری در زمان جنگ را خواهند داشت.

۶۲- ماده ۴۸: فراریان مشمول مواد ۴۳ تا ۴۷ این قانون در صورتی که قبل از خاتمه جنگ شخصاً خود را معرفی نمایند از کیفیات مخففه برخوردار خواهند بود.

نتیجه

آنچه تلاش شد در این پژوهش تبیین گردد، مطالعه سیاست کیفری در جرائم خاص نظامی در نظام حقوق کیفری نیروهای مسلح ایران در قانون‌های مجازات جرائم نیروهای مسلح پس از انقلاب اسلامی^{۶۳} است. در جرم «اهانت به مقام مافوق» در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ سیاست کیفری سهل گیرانه^{۶۴} حاکم بوده و در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ نیز سیاست کیفری سهل گیرانه^{۶۵} حاکم است. در جرم «اهانت مقام مافوق به مقام مادون» در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ سیاست کیفری سهل گیرانه^{۶۶} حاکم بوده و در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ سیاست کیفری سخت گیرانه^{۶۷} حاکم است. در جرم «ترساندن مافوق و نگهبان در حین نگهبانی» در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ سیاست کیفری سخت گیرانه^{۶۸} حاکم بوده و در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ سیاست کیفری سهل گیرانه^{۶۹} حاکم است. در جرم «تیراندازی غیرقانونی» در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ سیاست کیفری سهل گیرانه^{۷۰} حاکم بوده و در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ نیز سیاست کیفری سهل گیرانه^{۷۱} حاکم است. در جرم «بی‌توجهی به دستور مافوق» در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ سیاست کیفری سخت گیرانه^{۷۲} حاکم بوده و در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ نیز

۶۳- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹

۶۴- حبس از دو ماه تا یک سال

۶۵- حبس از یک ماه تا یک سال

۶۶- حبس از یک تا شش ماه

۶۷- حبس از دو ماه تا یک سال

۶۸- حبس از سه سال تا پانزده سال؛ حبس از یک سال تا سه سال؛ حبس از دو ماه تا یک سال

۶۹- حبس از دو ماه تا یک سال

۷۰- حبس از دو ماه تا یک سال

۷۱- حبس از سه ماه تا یک سال

۷۲- مجازات محارب؛ حبس از سه سال تا پانزده سال؛ حبس از دو سال تا ده سال

سیاست کیفری سخت گیرانه^{۷۳} حاکم است. در جرم «گزارش خلاف واقع» در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ در برخی مواقع سیاست کیفری سخت گیرانه^{۷۴} و در برخی مواقع سیاست کیفری سهل گیرانه^{۷۵} حاکم بوده و در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ نیز در برخی مواقع سیاست کیفری سخت گیرانه^{۷۶} و در برخی مواقع سیاست کیفری سهل گیرانه^{۷۷} حاکم است. در جرم «فرار از خدمت» در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ سیاست کیفری سخت گیرانه^{۷۸} حاکم بوده و در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ در برخی مواقع سیاست کیفری سخت گیرانه^{۷۹} و در برخی مواقع سیاست کیفری سهل گیرانه^{۸۰} حاکم است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۵، **حقوق جزای عمومی**، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات میزان.
- الهام، غلامحسین، ۱۳۸۹، **حقوق جزای نظامی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- بهرامی، محمد کاظم، ۱۳۸۲، ویژگی‌های قانون جدید مجازات جرائم نیروهای مسلح و تفاوت‌های آن با قانون سابق، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۴۱.
- رضوی، محمد، ۱۳۸۶، **حقوق کیفری نیروهای مسلح**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا.

۷۳- مجازات محارب؛ حبس از سه سال تا پانزده سال؛ حبس از دو سال تا ده سال.

۷۴- در حکم محارب؛ حبس از سه سال الی هشت سال.

۷۵- حبس از سه ماه الی یک سال.

۷۶- مجازات محارب؛ حبس از دو سال تا پنج سال.

۷۷- حبس از سه ماه تا یک سال.

۷۸- حبس از یک تا سه سال؛ تنزیل یک درجه یا رتبه؛ محرومیت از ترفیع تا دو سال.

۷۹- حبس از شش ماه تا دو سال؛ محرومیت از ترفیع از شش ماه تا دو سال.

۸۰- حبس از دو تا شش ماه؛ محرومیت از ترفیع از سه ماه تا شش ماه.

- شاکری، یاسر؛ صالحی، علیرضا؛ رضایی، غلامحسین، ۱۴۰۰، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم نظامی، **فصلنامه پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس**، شماره ۴.
- شاکری، یاسر، ۱۴۰۲، سیاست کیفری افتراقی قانون نیروهای مسلح در قبال فروش اموال و اشیای نظامی، **فصلنامه تمدن حقوقی**، شماره ۱۷.
- غلامی، حسین، ۱۳۹۲، **حقوق جزای نظامی تطبیقی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- فرامرزی، موسی، ۱۳۸۵، بررسی تحلیلی جرم لغو دستور در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۵۸.
- مال میر، محمود، ۱۳۸۳، **شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱، **پوشش‌ها و پاسخ‌های قضایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات قوه قضاییه.
- معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۳، **رویه قضایی در محاکم قضایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات قوه قضاییه.
- میرزمانی، سیدمحمود؛ آزادمرزآبادی، اسفندیار؛ سلیمی، سیدحسین؛ انیسی، جعفر، ۱۳۸۴، بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم در بین نیروهای رسمی و وظیفه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهر تهران در سال ۱۳۸۱، **فصلنامه طب نظامی**، شماره ۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۳، **تقریرهای درس جرم‌شناسی**، تهران، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- یزدانیان، محمدرضا، ۱۳۸۵، شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۵۵.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.21- Autumn 2024

The Procedure of Arbitration of ICSID about Umbrella Clause

Amirhosein Yazdani, Naser Alidoosti Shahraki

Legal Analysis of Opinions Issued by the International Court of Justice Regarding Lawsuits Related to Iran

Sima Abbasi, Shahrooz Darbandi

Conflicts between Israel and Hamas in the Mirror of International Criminal Law (2023 AD)

Mohammad Babaei, Navid Zamaneh Ghadim, Davood Alizadeh

The Role of Lifestyle and Adherence to Health Protocols in Preventing Crimes Related to COVID-19 According to Experts in Iranian Criminal Law

Iraj Morvati

Managing Transboundary Petroleum Deposits: Cooperation as a Customary Obligation

(with Emphasis on Final ICJ Award in 2017 between Ghana and Côte d'Ivoire)

Ali Rezaei, Sayyed Rasol Tabatabaei Moghaddam

Criminal Protection of Children and Adolescents at Risk in the Laws of Iran and Lebanon

Amin Reza Bahar Falamarzi

The Way of Managing the Property of Prisoners in Iranian and Turkish Laws

Sara Farzadi Mehr, Mohammadreza Haghighi, Esmail Amouri

Analyzing and Investigating the Nature of Reward in the Iranian Law System

Amir Mohammad Tavakoli, Mohammad Reza Azodi, Ghasem Tavakoli

Examining the Nature and Legal Dimensions of the Provisional Measures Issued by the Dispute Resolution Committee of the Ministry of Oil

Sheyda Ghamafrooz, Mohammad Reza Afshari, Mehdi Piri

The Rights of Institutional Shareholders and Retail Shareholders in Iran's Capital Market

Parisa Rezvan, Ali Zare

Limitations on the Military Activity of Third States in the Exclusive Economic Zone of the Coastal State

Mohsen Behjati

Adoption in the Legal System of Iran and England

Zahra Makki, Esmail Kashkoulan

The Legal Basis of Establishing Non-governmental Schools in Iran, Emphasizing the Role of Education in Preventing Crime

Mina Daneshamooz, Hakimeh Abolhasani

Democratic and Authoritarian Paths in the Future of International Law

Saeid Behdoudi Nejad

Smart Cities and International Trade Law

Aram Abbaspour Jalali

The Effect of Jus Cogens Norms: Whoever Opened Pandora's Box, Did You Ever Think About the Consequences?

Soheil Golchin

The Relationship between Transparency Obligations and Foreign Investment in Renewable Energies: Realising the Potential Role of IIAs

Yusef Akhlaghi

Iran's Criminal Policy for Specific Military Crimes of the Armed Forces

Yasser Shakeri